



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۲۲۴  
چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹ ، بهار ۱۵ ریال

### سابع خبری رسانه‌های گروهی ایران را خبرگزاری‌های امپریالیستی تشکیل میدهند. چرا؟

با آنکه بارها و بارها نامالیتهای نرب و توطئه‌آمیز رسانه‌های گروهی شورهای امپریالیستی در مورد وقایع ران و جهان، افشاء شده است، چرا سانه‌های گروهی کشور ما، منابع خبری ود را اینگونه خبرگزاریها قرار داده‌اند؟

هائری آنگ روزنامه‌نگار سرشناس فرانسوی و برتکار ویژه روزنامه اومانیه در مورد فعالیت‌های مخرب رگزاری‌های امپریالیستی در تهیه و پخش اخبار دروغ مطالب جعلی در ارتباط با وقایع اخیر افغانستان، زارش بسیار جالبی تهیه کرده است. وی در نخستین زارش خود از افغانستان می‌نویسد:  
«هر قدر هم که شما به اخبار دروغ روزنامه‌های غربی تحریف واقعات و گزافه‌گویی‌ها و داستان‌سرایی‌های ج آنها، که بصورت واقعیت غیرقابل انکار آنها را لب می‌کنند، عادت کرده باشید، هر قدر هم که شما این مطالب اطمینان داشته باشید، که مراکز رادیو-ویزیون بورژوازی در زمینه جعل و تحریف و گمراه ساختن افکار عمومی، تمام کوردهاراشکسته‌اند، هینکه ارد کابل می‌شوید، دچار یک هیجان و تحریک شدید سبی می‌شوید.»

پس این شهر در محاصره، که از آن حفاظت می‌کنند و عرصه ترور و آدمکشی است، در کجا است؟ در خیابانهای کابل آرامش کامل حکمفرماست و رکی مشغول کار و فعالیت خویش است. مغازه‌ها و ازارها پراز کالا و خواربار و مملو از خریداران است. نومیلیها در خیابانها در رفت‌وآمدند و من در هیچ‌جا سفهای نوبت را در کنار پمپ‌بنزینها ندیدم، که روز زیمتم از پاریس، خبرگزاری فرانسوی، به استناد کی از روزنامه‌های انگلیسی، از آنها خبر داده بود. من در دیگر شهرها و مناطق افغانستان هم کوچکترین شاه‌ای از جیره‌بندی مواد سوختی مشاهده نکردم.»

خبرنگار ارومانیه سپس می‌افزاید:  
«آیا این بدان معنی است که در سراسر کشور افغانستان آرامش حکمفرماست و دستجات ضدانقلابی کاملاً سرکوب شده‌اند؟  
در افغانستان هیچ‌کس چنین ادعایی ندارد. اما یک‌مطلب کاملاً روشن است. نیروهای ضدانقلاب دیگر پایگاه و نقاط اتکاء برای سازماندهی و گروه‌بندی‌های خود در کشور ندارند. عملیات ارتش افغانستان با کمک و پشتیبانی واحدهای انتظامی داوطلب، که از توده‌های مردم و اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان تشکیل شده‌اند، به ضدانقلاب امکان نمی‌دهد که گروه‌های خود را سازمان بدهد و متمرکز سازد.»

واقیات انکارناپذیر فوق، که نشانگر فعالیت‌های آشکارا مخرب رسانه‌های گروهی امپریالیستی در زمینه قلب واقعبینانست، بارها و بارها از سوی نیروهای انقلابی، چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان عنوان گردیده است.  
بقیه در صفحه ۴

# به مسئولان وزارت آموزش و پرورش هشدار میدهم!

در صدر این تصمیمات باید ازدولتی کردن مدارس خصوصی بمنظور حذف فرهنگ طبقاتی، منطقه‌ای کردن مدارس، پاکسازی ساواک‌ها و وابستگان به رژیم سابق و طاقوت زدائی از برنامه‌های آموزشی یسار کرد.  
در کنار این اقدامات سنجیده و ضرور، متأسفانه برخی زیاده‌رویها شده و همچنین تصمیماتی اتخاذ گردیده‌است که یا محتوی قانع - کننده نداشتند و یا زودرس و شتابزده بوده‌است. مانند برکنار ساختن صدها آموزگار و دبیر مجرب و آزموده به‌بهانه «غیراسلامی» بودن و یادوسره کردن مدارس، در شرایطی که ما هنوز برای کودکان واجب- التعلیم، مدرسه بحد کافی نداریم و نظایر آن. تصمیم دولت به تعطیل دانشگاهها نیز، مقاومت‌بخشی از محافل دانشجویی را برانگیخته و آنطور که شایع‌است، آنانرا مصمم به عدم تمکین از این تصمیم‌محضور بموقع در کلاسهای درس کرده‌است.  
در اوضاع و احوالی که تحکیم سفوف مردم در برابر امپریالیسم، ضرورت اجتناب‌ناپذیر حفظ دستاوردهای انقلاب است، مسئولان وظیفه دارند که در اتخاذ تصمیمات جدید،

ایجاد کانونهای تفرقه و تشنج، از لشکردهای امپریالیسم تبهکار علیه انقلاب ماست. امپریالیسم آمریکا هم‌خود چنین مراکز تشنجی را می- آفریند و هم باسوء استفاده از برخی زیاده‌رویها و تسامح‌ها، بر اجاق‌های تشنج و برآکنندگی همه می‌افکند.  
در شرایطی که همه اخبار و نوشته‌ها و روایات و واقعات خبراز توطئه عظیم و گسترده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب میدهند، وجود هر کانون تشنج، مستقیم و غیرمستقیم آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، کمکی است به امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده. آن، تا در جوی مساعدت، نقشه پلید خود را پیاده کنند. لذا هر گام بخردانه در جهت رفع اختلافات و ایجاد تفاهم، موجب تحکیم صفوف انقلاب و ناکام ماندن امپریالیسم تفرقه‌افکن خواهد شد.  
متأسفانه باید گفت که چو تشنج و ناآرامی بر فضای تفاهم‌سازگاری چیره شده‌است. از اینجاست که می‌بینیم دستهای خیانت‌پیشه‌ای مانع از حل اختلافات محلی و منطقه‌ای میشوند، که گروه‌های مشکوکی علیه دفاتر و کتابفروشی‌های حزب توده ایران بسج میشوند، که دستهای ناپیدا، مانع از نزدیک شدن گروه‌های صدیق انقلابی میشوند و درگیری میان آنانرا تشدید میکنند، سرانجام امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب هلهله شادی سر میدهند و مدافعان راستین انقلاب انکتست تاسف بدندان می‌کنند.  
وظیفه هر انقلابی مبین‌دوستی است که در ایجاد جو تفاهم و مسالمت کوشا باشد، مانع از ایجاد کانونهای تشنج‌شود و فضای رویارویی و درگیری را با اقدامات سنجیده و خردمندانه به محیط آرام تفاهم بدل کند. این نفع‌طلب و وظیفه افرا، بلکه بیش از آن و مقدم بر آن وظیفه مسئولان مملکتی است.

یکی از مراکز بالقوه تشنج هم اکنون در دبستانها، دبیرستانها و دانشگاههاست. طبق اخبار موثق، ضدانقلاب برای آغاز سال تحصیلی روزشماری میکند، تا باسوء استفاده از برخی زیاده‌رویها و افزایش کاریها در وزارت آموزش و پرورش، تشنج بالقوه را بالفعل کند.  
باید به‌صراحت گفت که تصمیمات انقلابی، منطقی و بسود توده‌های مستضعف ازسوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش کم نبوده‌است.

## امپریالیسم آمریکا ژاندارم جهانی

امپریالیسم آمریکا ژاندارم جهانی است. این بزرگترین قدرت غارتگر و تجاوزکار، عظیم‌ترین شبکه پایگاه‌های نظامی را در سراسر جهان بوجود آورده است، تا بتواند نقش خود را بعنوان ژاندارم جهانی ایفا کند. در زیر منظره این شبکه پایگاه‌های نظامی در برابر دید خوانندگان گرامسی قرار میگیرد.  
بقیه در صفحه ۴

# ضرورت حیاتی و مبرم شکل کارگران و زحمتکشان در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها)

غریزه طبقاتی و آگاهی ذهنی کار- گران برای دفاع از انقلاب عامل مهمی است، ولی تعیین‌کننده و کافی نیست. عامل تعیین‌کننده و سر- بشت ساز شکل طبقه کارگر است. کارگران، با همه توانایی طبقاتی خود، نا موقعی که سلاح تشکل را بر اختیار ندارند، عملاً فاقد قدرتند. تشکل، هر عمده در بیان نیرومندی و قدرت طبقات اجتماعی در صحنه مبارزات است. قلال طلبانه و رهایی‌بخش است. هر اندازه طبقات اجتماعی از نظر وزن مخصوص خود در اجتماع کثرت‌العمده و نیرومند باشند، هر قدر مواضع صمیمی نسبت به انقلاب اتخاذ کنند، معذک تا زمانی که به تشکل دست‌سی نایافته‌اند، تأثیر آنان بر روند مبارزه، کم و ناچیز خواهد بود.  
اتخاذ مع‌ضع صحیح طبقاتی و ساسی از جانب طبقات اجتماعی در قبال روند مبارزه و انقلاب هنگامی از

نقش را در پیروزی و یا شکست انقلاب ایفا می‌کند. خوشبختی و نیرومندی انقلاب عظیم ما از آنجا نشات می‌یابد که طبقه کارگر ایران تمام توان و نیرومندی طبقاتی خود را صمیمانه و صادقانه در خدمت انقلاب قرار داده و می‌دهد.  
زحمتکشان ایران از انقلاب عامل اساسی و مهم دفاع از انقلاب در برابر حملات و توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب بوده و هست. لیکن نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، اینست که، اگر این‌هوداری و جانبداری همچنان به غریزه‌طبیعی و آگاهی ذهنی متکی باقی بماند و با قدرتی ناشی از تشکل صنفی، که عامل تعیین‌کننده در اثربخشی موضع طبقه کارگر در قبال انقلاب است، تثبیت و تحکیم نگردد، طبقه کارگر ایران به‌ایفای نقش واقعی خود در دفاع از انقلاب قادر نخواهد بود.

## در صفحات بعد

**آیا انقلاب ایران به‌انزوا کشانده شده است؟** صفحه ۲

**تورم و سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی** صفحه ۳

**گزارشی از وضع کارگران کفاش تبریز** صفحه ۴

**روستاهای دهلز «سادات حسینی کوزوک» و مشکلاتشان** صفحه ۵

لرزه‌ی و اثر بخشی واقعی برخوردار است که، این طبقات در سازمانهای صنفی، اجتماعی - سیاسی خود متشکل شوند و از تفرقه‌پراکنندگی خراج گردند. این قاعده کلی در مورد همه طبقات اجتماعی، بویژه در مورد طبقه کارگر صادق است، که بدرستی گفته می‌شود، جز تشکل سلاح دیگری در اختیار ندارند. کارگران و زحمتکشان از حق تشکیل آزاد انجمن‌های صنفی خود (سندیکاها و اتحادیه‌ها) به‌معنی واقعی کلمه برای حفظ و دفاع از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی اهمیت درجه اول دارد. کارگران و زحمتکشان ایران صمیمانه به انقلاب وفادارند و با تمام نیرو در تثبیت و تعمیق پیروزیهای این انقلاب کوشا هستند. حمایت و پشتیبانی کارگران از انقلاب عامل بسیار مهمی در دفاع و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است. اما اثربخشی آن هنگامی قطعیت پیدا می‌کند که، ذینفع بودن طبقه کارگر در روند انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در قدرت ناشی از تشکل تجسم مادی پیدا کند، تنها از طریق تشکل و برخورداری از فعالیت آزاد سازمان‌های اصیل صنفی و سیاسی است که قدرت طبقه کارگر تجسم مادی پیدا می‌کند.  
دول امپریالیستی و ضدانقلاب، با آشنائی که به اهمیت قدرت تشکل کارگران دارند، با تمام قوا در راه برخورداری کارگران ایران از سازمانهای اصیل صنفی و سیاسی مانع ایجاد می‌کنند. در نیل به هدف بدون سلاح نگه‌داشتن طبقه کارگر ایران در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، دشمن مکار و

# حزب توده ایران «خانه تیمی» ندارد

## حزب توده ایران پاسدار قانون و نظم انقلابی است

اخبار و شایعاتی انتشار می‌یابد که در وضع حساس کنونی، باستخوانی به آنها را وظیفه‌ای ضرور و جدی می‌شمریم.  
محافل و منابع معینی، دانسته و یا ندانسته، میکوشند به حزب توده ایران برچسب هرج و مرج- طلبی و توطئه‌گری بچسباندند. برای نمونه دو مطلب زیر را، که متأسفانه هر دو آنها در روزنامه «جمهوری اسلامی» منتشر شده، نقل می‌کنیم.  
مطلب اول: «پلاگزارش دیگر از خبرگزاری پاریس در بند در یک حاکی است که بعد از ظهر پریروز، نیز در این بند میان هواداران مجاهدین خلق، حزب توده و چریک‌های فدائی خلق از یکسو و جوانان مسلمان ازسوی دیگر زد و خورد شدیدی روی داد. در این درگیری چندتن بوسیله سنگ و چماق و چاقو مجروح شدند...» (جمهوری اسلامی، ۱۰ شهریور ۵۹)

مطلب دوم، که زیر عنوان «کشف خانه تیمی حزب توده» منتشر شده، چنین است:  
«روابط عمومی دانشگاهی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت، بحکم دانشسائی کلا انقلاب اسلامی انتشارات ویرا و انتشارات رزم واقع در خیابان انقلاب خیابان فخر رازی - بریست فرهاد پلاک ۳۳ که از پایگاه‌های حزب توده بوده و در لوای انتشارات از این محل بعنوان خانه تیمی نیز استفاده می‌شده، توقیف گردید.» (جمهوری اسلامی، ۱۱ شهریور ۵۹)

مطلب دیگری نیز با همین روح در جاهای دیگر انتشار یافته است، که برای رعایت اختصار تنها به ذکر دو نمونه فوق اکتفا کردیم.  
اطمینان داریم که مسئولان متعهد امور مملکتی و توده‌های وسیع مردم آگاه و هشیاروبیدار ایران، که طی مدت ۱۹ ماه پس از انقلاب در عمل و تجربه‌روزمره خود با موضع، روش و سیاست حزب توده ایران آشنا گشته و حتی الفت و انسیت گرفته‌اند، شایعات و اخبار بی‌اساس از قبیل نمونه‌هایی که در بالا ذکر شده را بیبوجه باز نمی‌کنند و حتی به آن می‌خندند. ولی به‌رحال لازم می‌دانیم مطالب زیر را بار دیگر و با صراحت تمام و قانع اعلام نماییم که: حزب توده ایران در هیچ بلوا و غوغا و آشوبی شرکت نکرده، نمیکند و نخواهد کرد، و خبر شکت در زد و خورد و خبر «کشف خانه تیمی حزب توده» مطلقاً حقیقت ندارد و نمیتواند داشته باشد.  
بقیه در صفحه ۴

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### منابع خبری رسانه‌های...

**بقیه از صفحه ۱**

اعمال اینگونه رسانه‌های گروهی تنها محدود به وقایع افغانستان نمی‌گردد. اینها وظیفه خود می‌دانند و در این زمینه نیز بی‌سبی می‌کوشند، تا واقعات همه کشورهای را نیز بدانگونه که انحصارات چند ملتیتی خواهان آنند، جلوه دهند. اقدامات مغرب این رسانه‌ها در مورد وقایع ایران خود گویاترین سندهاست.

تبییه و پختن مطالب سراپا کذب همچون: «دزیم آدمکش خمینی»، «سلب آزادی‌ها در ایران»، «بهریدن سینمای زنان»، «دزیم دفاتتیک ایران» و «صدها و صدها از این نوع اراجیف، همه همه در این جهت‌اند، تا از ذهن جهانیان و حتی مردم ایران را نسبت به وقایعی که در ایران می‌گذرد، منقلب سازند. و البته باید به این اعمال، قلب واقعات جهان در اذهان ایرانیان از یکسو، و فعالیت‌های جاسوسی این «بنگاه‌های خبر-پراکنی» را از سوی دیگر، افزود.

نامه «مردم» به کرات به افشای این اقدامات پرداخته است. در برخی موارد در برخی رسانه‌های گروهی و مطبوعات ایران نیز این افشاگریها صورت گرفته است. اخیراً نیز روزنامه «صبح آزادگان» در شماره ۱۸۹، مورخ ۱۰ شهریورماه ۵۹ خود، در زمینه عملکردهای مغرب و فعالیت‌های جاسوسی خبرگزاری‌های امپریالیستی مطالب بسیار جالب توجهی درج کرده است.

این روزنامه در مورد ساختن و جعل اخبار از سوی این رسانه‌ها می‌نویسد:

«توری کار اینها (خبرگزاری‌های امپریالیستی) بر این اصل است که خبر چیز است که شخص از آن می‌بازد اگر توجه داشته باشیم، می‌بینیم این همان سوء استفاده از بحث «حقیقت درک کردنی نیست» می‌باشد. اینگونه حرف‌های دهان پرکن فلسفی را در همان سال‌های اول تحصیلی در دانشگاه با اینها حقنه می‌کنند. نه برای آموزش فلسفه، بلکه برای یاد دادن راه فرار از محدوده وجدان، یکنوع جواز دروغگوئی صادر کردن وسیله دانشمندان دانشگاه‌های غرب برای ژورنالیست‌ها، تا اینکه بتوانند در آینده وسائل خوبی در دست حکومت «چپ‌اولگرشان» باشند. این توری‌ها حکم بر جوخه‌نگاری را بعضی بیشتر و بعضی کمتر جدی می‌گیرند و اختلاف خبرنگاران غربی بیشتر در همین کیفیت است که کیفیت آن را تعیین می‌کنند. بسیاری از اینها شجاعانه

اعتراف می‌کنند که دروغ و راست معنی ندارد، بلکه توانی در ساختن و یا ناتوانی در ساختن یک خبر مطرح است. دروغی که کشف شود و افشاح بیاریبورد چیزی نیست جز خبری که بدساخته شده. و دروغی که باصلاح جایبند، خبری است که خوب ساخته شده است. این یک کلیتی بود و هست که در مورد خبرنگاران غربی تجربتا به آن رسیدیم. استثنا هم ممکن است پیش بیاید. و اما شکردهای کلی این خبرنگاران متنوع است و اهم آن را در اینجا بیان می‌کنیم.

این روزنامه سپس در مورد قلب واقعات از سوی این رسانه‌ها در اذهان مردم ایران و جهان می‌نویسد: «... خبرنگاران خارجی نه تنها روی ملت‌های خود تأثیر می‌گذارند و انقلاب ما را بیمل خود معرفی می‌کنند، بلکه از آنجا که ما روزنامه‌های خارجی و اخبار خارجی دریافت می‌کنیم، این تأثیر روی ما نیز غیر قابل پرهیز است. وانگهی فراموش نکنیم که دهها هزار نفر ایرانی در اروپا و آمریکا هستند که اینها چندان سیاسی نیستند و اکثراً زیر پوشش خبری غرب می‌باشند و با ایران در رابطه و مبادله فکری هم می‌باشند، تلفنی، پستی و شفاهی...»

صبح آزادگان آنگاه در زمینه فعالیت‌های جاسوسی خبرگزاری‌های امپریالیستی می‌افزاید: «... بر همه اینها باید نقش جاسوسان بنام خبرنگار را نیز اضافه کنیم. جاسوسی، شایعه‌پراکنی و حتی آورد و برد دستورات و انجام راه‌نمایی با هدف‌های ضدانقلابی می‌تواند بعهده هریک از اینها گذاشته شده باشد، بدون اینکه ما تا بحال موفق به کنترل آن‌ها شده باشیم، که این رشته سر دراز دارد و ما برای جلوگیری از تظاول کلاه، از وسط این رشته چند تکه نمونه بدست می‌دهیم:

سبیا نه تنها خبرنگاران آمریکائی و اروپائی را به جاسوسی می‌گمارد، بلکه خبرنگاران کشورهای دیگر منجمله از بین کشورهای غیر وابسته را نیز طمع می‌کند و بکار می‌گیرد. اضافه بر این آژانس‌های خبری به پختن تصدی اخبار ساختگی تا آنجا که خبرنگار موفق نشده باشد خود اقدام می‌کنند.

در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۷ ویلیام کلی رئیس سابق سیا و دوست قدیمی ریچارد هلنز (اسم اصلی او پیش از ماوریت سفیریش در ایران - ریچارد دیک بود) این را تأیید کرد که از جنگ جهانی دوم تا کنون

تعدادی از خبرنگاران که رسماً عضو روزنامه‌ها بودند، کارمند سبیا نیز بوده‌اند. همچنین اضافه می‌کند که خبرنگاران خارجی و آژانس‌های خبری نیز در همکاری با سبیا بکار گرفته شده‌اند و اخبار محاسبه شده دروغ برای هدف‌های معینی وسیله اینها بجهان پخش شده است، که این هدف‌ها در طریق منافع سیاسی آمریکا بوده است. ویلیام کلی از «مواد خبری زمینه‌ساز» صحبت می‌کند، او در جای دیگر از «دست‌بردن در خبر» صحبت می‌کند و بعنوان نمونه پختن گفته‌های مجرمانه خروشیف رئیس حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در بیستین کنفرانس این حزب (که در آنجلسه جریان ضدانقلابی را شروع کرد) را نام برد. او می‌گوید که افراد سبیا بیانات خروشیف را از کانال جاسوسی بما رساندند و ما ۳۴ تکه از آن صحبت‌ها را بریدیم و ۳۴ تکه جدید در مرکز سبیا در شهر واشنگتن درست کردیم و بجای آنها گذاشتیم و بعد آنرا در دسترس خبرگزاری‌ها که خود از جریان با خبر بود، گذاشتیم و بدانوسیله رهبران شوروی را گیج و گنگ - اذهان آنها را درهم و برهم کردیم...»

صبح آزادگان در پایان می‌افزاید:

«خبرنگاران و آژانس‌های خبری خارجی برای دستجات سیاسی شمارهای متناسب تهیه می‌کنند و وسیله روزنامه‌هاشان همچون حربی بدست ضدانقلاب می‌دهند. اینها اضافه بر این نوع مبارزات، خودشانرا وسیله روزنامه‌هاشان بما تحمیل می‌کنند، منطبق غلط می‌سازند و وقتی در روزنامه خود نوشتند آنرا ما هم می‌پذیریم و رواج می‌دهیم. یکی از این خبرنگاران آمریکائی که بشانه در کشور مراکش مصاحبه کرده بود نوشت: تاموقمیکه شاه بود، خمینی را از کشور بیرون کرد، بود، حالا خمینی آمده و شاه را از کشور بیرون کرده - پس این چه فرقی کرد...؟»

این چیز است که می‌توانی غلط بودنش را به هر علل به ملت ایران بفهمانی، ولی منطلق‌های دیگری هم هست که غلط بودنش را سخت می‌توان فهماند. مثلا در مورد زندان، در مورد تشکیلات اطلاعاتی، در مورد سیاست یک‌حزبی، در مورد ممانعت از راهی‌مانی، در مورد ممنوعیت چاپ بعضی از روزنامه‌ها، این منطبق مفاهیسه‌ای که بدون توجه به کل روابط اظهار می‌گردد، می‌تواند هم از روی عمد باشد و هم می‌تواند واقعا سهوا و از روی ضعف بررسی مسائل باشد، که در اروپا و آمریکائی در سطح دانشگاه و مدعیان انکار مترقی سراغ داریم. ولی بهر حال

### حزب توده ایران... اسلامی نداریم.

**بقیه از صفحه ۱**

حزب توده ایران با تمام نیروی خود کوشیده و میکوشد که در همه جا از بوجود آمدن تشنج، بروز درگیری، ایجاد اخلال در تولید و دیگر امور زندگی کشور جلوگیری کند و اینرا وظیفه انقلابی خود میدانند.

حزب ما در همه جا و حتی در مناطقی چون کردستان، که همه امکانات برای هر خرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یگانه حزب و نیروی است که در زیرشدیدترین مخاطرات و گلوله‌های ضد انقلاب مردم را به همبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب و پایان مقابله و مناصحه با جمهوری اسلامی ایران فرا میخواند. صفحات نامه «مردم» و کار عملی حزب ما، گواه روشن بر این واقعات است.

شاید در شهری و یا در ولایتی عده‌ای آشوبگر و ساواکی‌بلوای بی‌اکنند و بعد خود را بعنوان هوادار حزب توده ایران معرفی نمایند، چنین پدیده‌ها می‌تواند وجود دارد. لذا باید هشیار بود و خرابکاری باند‌های ضد توده‌ای را بیای حزب توده ایران نوشت که این ستم مضاعف است.

حزب ما با پشتیبانی بیدریفی که از انقلاب و رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده، این حق عادلانه را برای خود کسب نموده است که از نظام جمهوری اسلامی ایران ترسد، بلکه به آن احترام بگذارد. ما که با تمام وجود خود خواهان اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم، این قانون و کلیه اصول و قواعد دیگری را که از این قانون اساسی ناشی میگردد، بدقت مراعات می‌کنیم. ما که در مقابل توطئه‌های ضد انقلاب بازمی‌راسخ درستگر دفاع از جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌ایم، هیچ‌تیزی به ساختن «خانه تیمی» در برابر جمهوری

### نهضت انقلاب اسلامی پاکستان به ارتشیان پاکستان هشدار داد:

**مراقب دسایس شیطان آمریکای جنایتکار و عنصر فاسد دست نشانده اش ضیاءالحق باشید!**

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان در رابطه با اعزام دو لشکر ارتش پاکستان به عربستان سعودی، بی‌پایه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است:

«امپریالیسم جهانخوار آمریکا برای جبران شکست مفضحانه خود در ایران و تحکیم سلطه خود در خورمیان بر آنست که علاوه بر پایگاه‌های نظامی مستقیم و یا غیر-مستقیم، که در کشورهای اسلامی مانند عمان، سومالی و مصر ایجاد نموده، در کشور ظاهراً مسلمان و متعصب سعودی نیز نسبت به ایجاد پایگاه اقدام نماید و میکوشد به وسیله دشمنان ردل اسلام، که درندگی با خون و روحشان خسوی گرفته و با غضب حکومت ملت مسلمان پاکستان از هیچ جنایتی به اسلام و ناموس اسلام و هستی ملت مسلمان کوتاهی نمی‌نمایند، از جان و مال این ملت بر علیه مسلمانان در منطقه استفاده کند. امروزه ۵۰٪ کل درآمد ملی مردم پاکستان که باید صرف هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌ای گردد، مصروف تبیه تبلیغات میگردد، تبلیغاتی که طرقت‌نظر کارشنامان خونخوار سازمان سیا و مستشاران نظامی آمریکا تدارک دیده می‌شود، تا مقاصد شوم و استعمارگرانه آنان را تحقق بخشد. استعمار بریتانیا روزی برای به گلوله بستن خانه خدا آن پایگاه وحدت مسلمین از ارتش هند به عنوان (Royal Indian Army) استفاده نموده و امروز استعمار آمریکا برای تحکیم و استمرار حکومت کثیف دربار سعودی دستور اعزام دو لشکر ارتش پاکستان راه که تربیت شده و تعلیم یافته همان نظام

### ضرورت حیاتی...

**بقیه از صفحه ۱**

حمله گمراه‌آمیز و ضدانقلاب پرورده آن - از هرگونه سپه‌نشی خودداری نمی‌کند. هدف اساسی از کوشش در راه تشکل کارگران، جلوگیری از برخورداری طبقه کارگر از دارا بودن سلاحی است که، در صورت وجود به معنی واقعی کلمه، انقلاب را در برابر هر خطری، ولو جدیتر از آن نباشد، تضمین و ایمن می‌کند.

تشکل پنج میلیون کارگر و زحمتکش ایرانی در انجمن‌های صنفی (سندیکاه و اتحادیه‌ها) از کارگران، کارخانه و اداره و موسسه گرفته تا سطح اتحادیه‌های حرفه‌ای و رشته‌ای در سطح همه کشور، در لحظه تاریخی کولی چنین سلاحی است.

یابد توجه داشت که در جریان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی در کشور ما، تنها خود طبقه کارگر و آمریکا شوند.

هم حفظ منافع امپریالیسم و صیویسیم در لباس ژاندارم منطقه. نسبت به برادران غیور ارتشی هشدار میدهد که مراقب دشمنای شیطانی آمریکای جنایتکار و عنصر فاسد دست نشانده‌اش ضیاءالحق باشند و قبل از آنکه قلب‌های برادران مسلمان را آماج گلوله‌های خود قرار دهند با شجاعت و شهامت و از خودگذشتگی برای خسدا و اسلام پایخیزند و فرماندهان فاسد و مستبدانین این رژیم کثیف را بزد و مفلطح باشند یا انجام این عمل انقلابی کشور خود را از چنگل آمریکای خونخوار نجات بخشند و در قلب توده مسلمان جای خواهند گرفت.

پیروزی‌ساز انقلاب مسلمان و مستضعفین جهان پرهیبر اسام خمینی، برقرارداد پرچم پرشکوه غلغل الهی و اسلام علی من اتبع الهدی نهضت انقلاب اسلامی پاکستان» (جمهوری اسلامی، ۱۱/۹/۵۹)



برخی از کسانی که هنوز در دنیای "آزاد" غرب زندگی می‌کنند و تمام انگار و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آنان نیز در قفس تنگ این دنیای فریبکار محصور است، ما را و انقلاب ما را از "منزوی" شدن می‌ترسانند.

آیا برآستی انقلاب ایران در جهان منزوی شده است؟ و آنهم بدانسان که قلم این آقایان صحنه بردازی می‌کنند؟

بنظر ما، تابلویی که این آقایان از جهان ترسیم می‌کنند، با واقعیت فرسنگها فاصله دارد. درست است که امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانانش و چند کشور دیگر سرمایه‌داری اروپا با انقلاب ایران سر ناسازگاری در پیش گرفته‌اند و تمام توان خویش را بر ضد انقلاب ایران بکار انداخته‌اند. اما مگر دنیا به همین چند کشور خاتمه می‌یابد؟ و فزونت از آن، ما بایستی چه می‌کردیم که این کشورهای غارتگر، که تمام هستی‌شان "ازخون و زندگانی انسان گرفته رنگ"، دست از "کلوخ اندازی" به سوی ما برمی‌داشتند؟

می‌گویند "گروگانگیری" ما را منزوی کرده است. بسیار خوب، ماهمین فردا بدستور آنان عمل می‌کنیم و "گروگانها" را با سلام و صلوات آزاد می‌کنیم. آیا پس از این عمل، امپریالیست‌های امریکائی با ما آشتی خواهند کرد و چشم طمع خود را از منابع نفتی ما و تمام منطقه خواهند کند؟ امریکائی‌ها، که طرح ایجاد پایگاه‌های نظامی خود را در مصر، سومالی، عمان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و... در گدازگرد مابرای دهسال آینده کشیده‌اند و در بودجه‌های جنگی خودشان نیز وارد کرده‌اند، اگرما "گروگانها" را پس دادیم، از آن صرف نظر خواهند کرد؟ آیا امپریالیستهای شکست خورده امریکائی و انگلیسی، که ۵۰۰ میلیون دلار تنها در اختیار شبکه براندازی "اسقفی اعظم" اصفهان قرار داده‌اند، با "من بمیرم" "توبییری" دست از تصمیم خود بر خواهند داشت؟ می‌نویسند که انقلاب ایران در جهان اسلام، بدلیل اعمال ناصواب، از جمله فتوای دادگاه‌های شرع بخصوص در مورد زنا و لواط و غیره منزوی شده است. گوئی اگر این "اعمال ناصواب" انجام نمیگرفت، ملک خالد و ملک حسن و شیوخ خلیج و سادات وضیاءالحق و صدام حسین و سلطان

قاپوس برای جمهوری اسلامی ایران کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند.

ما اگر می‌خواستیم در جمع ملوک و دیکتاتورهای خون‌آشام، که در راس برخی ممالک اسلامی جای گرفته‌اند، منزوی نشویم، بایستی شاه سابق را نگاه می‌داشتیم، و حالا که انقلاب کرده و او رانده‌ایم لااقل دست به ترکیب سرمایه‌داران وابسته و موسسات و بانکهای خارجی و جاسوسخانه امریکا نمی‌زدیم. در آنصورت البته در بین دولتهای غارتگر امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه نه تنها منزوی نمی‌شدیم، بلکه با آنان "لحمک لحمی" نیز بودیم و اما حالا که انقلاب ما، بدون عقب‌گرد و بدون انحراف، با گامهای استوار بیسی می‌رود، "مفتیان" همین کشورهای باصلاح اسلامی جمع می‌شوند، تا با زیر و رو کردن کلمات نطق امام خمینی و تحریف روح گفته او، امام خمینی را "منحرف" از اسلام وانمود کنند! آقایانی که برای انزوی انقلاب ایران نوحه

نشد بخاطر بیرون آمدن از این "انزوا"، هیچ یک از اصول انقلاب سوسیالیستی خود را فدا کند. آن روزها اتحاد شوروی یگانه کشور سوسیالیستی جهان بود. اما امروز این "انزوا" بکلی درهم شکسته شده است و دنیای نوین سوسیالیسم با شرکت تعداد زیادی از کشورهای تازه بوجود آمده است، که دوستان فراوانی نیز در خارج از آن دارد. آقایانی که از "انزوی" انقلاب ایران سخن می‌گویند، عمداً بر این دنیای نوین چشم می‌پوشند. دنیا برای آنان یکی است: دنیای سرمایه‌داری، دنیائی که انقلاب ایران را به محاصره کشیده است، دنیائی که بی‌دری برای براندازی نظام انقلابی، ما توطئه می‌چیند، دنیائی که مهره‌های خود را در همه جا، جابجا کرده است، تا استقامت روحی فرزندان دلیر ایران را از ترس "انزوا" درهم بشکنند.

خیر آقایان! انقلاب ایران "منزوی" نشده است. دنیائی که در آن انقلاب ایران "منزوی"



شده است، دنیای "آزاد" سرمایه‌داری است. در ورای این دنیای پوسیده، دنیای نوین سوسیالیستی و دنیای خلقهای ستمدیده وجود دارد که انقلاب ایران را با روی گشاده پذیرفته‌اند و آنرا گامی بلند در راه آزادی و استقلال همه خلقهای خاور نزدیک و میانه می‌دانند.

روزنامه‌های کشورهای سوسیالیستی را ورق بزنید و ببینید که در آنها چه کلمات گرمی درباره انقلاب ایران نوشته شده است و میشود. مردم کشورهای سوسیالیستی انقلاب ایران را چون حادناهای بزرگ در راه راهائی خلقهای ستمدیده ارزیابی می‌کنند و آماده‌اند با تمام نیرو و توان خود به مردم ایران برای سازندگی جامعه‌ای سکوفان و خودکفا کمک کنند. اگر کسانی که جهان را تنها از دریچه دنیای "آزاد" خودشان می‌نگرند، تاکنون زیر عنوان "نصرتی، نه غربی"،

سراشی می‌کنند، به ما تلویحا می‌گویند: چرا امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانش و دست‌نشانگانش را رنجانده‌ایم؟! اما انقلاب، اگر انقلاب واقعی باشد، ناچار در داخل و خارج کسانرا خواهد رنجاند. هر انقلاب اصیلی، در داخل و خارج کشور، دوستان و دشمنانی خواهد داشت، که تبدیل دشمنان این انقلاب به دوستان، جز با انصراف از آرمانها و اهداف توده‌هایی که در انقلاب خون ریخته‌اند، امکان پذیر نیست.

انقلاب واقعی، پیش از آنکه از دشمنانش بهراسد، باید به دوستانش بیاندیشد و اصولیت خود و آرمانهای مردم بپاخاسته را فدای مصلحت‌های کوتاه بینانه سیاسی نکند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سالیان دراز در جهان "منزوی" بود، ولی اتحاد شوروی حاضر

# تورم و سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی

مصرف رسیده و بقیه در اختیار بخش‌ها و واحدهای دیگر قرار گرفته است. (روزنامه اطلاعات، اول شهریورماه ۱۳۵۹).

به طوریکه ملاحظه می‌شود، قسمت اعظم اعتبارات مزبور، یعنی حدود ۲۱۰ میلیارد ریال آن به مصرف رفع نیازهای عمومی رسیده و به هیچ وجه در خدمت تولید قرار نگرفته است. همچنین است میلی که به تهیه کتاب‌های درسی اختصاص داده شده و بالاخره با توجه به اینکه خرید ماشین آلات راه سازی نیز مستقیماً به افزایش میزان تولید کمک نمی‌کند، باید در اینگونه اقدامات نیز در حال حاضر کاملاً محتاط بود و با دوراندیشی بسیار اقدام کرد.

بنابراین، نتیجه سیاست اعتباری بانک مرکزی این بوده است که، مصارف غیرتولیدی بطور غیرطبیعی افزایش یافته است، که نتیجه چنین سیاستی جز تشدید فشارهای تورمی چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

خلاصه آنکه، هم سیاست پولی و هم سیاست اعتباری بانک مرکزی خصلت انبساطی داشته است و اگر در جهت فغلی ادامه یابد، عدم تعادل موجود در اقتصاد کشور بازم تشدید خواهد شد. برای رویارویی با وضع کنونی، باید به اقدامات زیرین توسل جست:

۱- تنظیم برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی. باید توجه داشت که برای مبارزه با تورم و بیکاری طرح هردو نوع برنامه ضرورت دارد، زیرا اگر تنها به اجرای برنامه‌های کوتاه مدت مبادرت گردد، از ایجاد واحدهای تولیدی، که در صنعتی شدن کشور نقش اساسی دارند، غفلت شده است، و اگر برعکس، فقط توجه به اجرای برنامه‌های بلند مدت داشته باشیم، نه تنها با تورم مبارزه نکرده‌ایم، بلکه موقتاً به تشدید آن نیز کمک

از ابزارهای سیاست پولی و مالی در جهت کم کردن ازمیزان بول در گردش، افزایش سس اندازها نزد سیستم بانکی و جلب توجه مردم به لزوم کاستن ازمیزان مصرف و کاهش هزینه‌های دولتی و تلاش در جهت ایجاد تعادل در بودجه مملکت، قدم برداشت.

حال ببینیم سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی از کدام خصوصیت برخوردار بوده است:

در زمینه حجم پول در گردش، بانک مرکزی به منظور رفع نیازهای پولی کوتاه مدت، از یک سیاست منبسط بیروی کرده و در نتیجه مرتباً بر میزان بول در گردش اضافه شده است. تردید نیست که یکی از عوامل افزایش نرخ تورم میزان بول در گردش است که به هیچ وجه با نیازهای واقعی اقتصاد کشور منطبق نیست، و مادام که مبالغ اضافی از بازار خارج نگردد، نباید به کاهش فشار تورم امیدوار بود.

در مورد سیاست اعتباری بانک مرکزی نیز باید اعلام کرد که سیاست مزبور نیز از مشخصه سیاست پولی برخوردار بوده و در همان مسیر در حرکت است.

بانک مرکزی اعلام کرد که در ۵ ماهه اول سال جاری، مبلغ ۳۰۲ میلیارد ریال اعتبار بوسیله بانک مزبور در اختیار وزارتخانه‌ها، شرکتها و مؤسسات دولتی و بانکها قرار گرفته است. از مبلغ مزبور حدود ۲۱۰ میلیارد ریال جهت تهیه کالاهای ضرور، مانند ارزاق عمومی، دارو و کاغذ اختصاص یافته است. علاوه بر این، مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال به سازمان ایرانیگردی و جهانگردی و مبلغ ۷ میلیارد ریال به وزارت راه و ترابری برای خرید ماشین آلات راه سازی و یک میلیارد ریال برای تهیه کتابهای درسی به

مورد تهدید قرار می‌دهد و تاجه حد فشار هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند.

همانطور که تا بحال چندین بار در نامه "مردم" منعکس گردیده، اگر روند کنونی ناخص بهای عمده فروشی و خرده فروشی کالاها ادامه یابد و هرچه زودتر اقدامات صحیح اقتصادی برای مقابله با آن به انجام نرسد، تا پایان سال جاری، نرخ تورم در ایران از حدود ۵۰ درصد سال ۱۳۵۸ نیز تجاوز خواهد کرد و وضع بغرنجی برای اقتصاد ایران بوجود خواهد آمد.

در کنار این تورم کم‌نظیر، و یابه گفته رئیس کل بانک مرکزی "در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم بی‌سابقه"، باید عامل بیکاری را نیز به عنوان یک خطر جدی برای اقتصاد ایران مورد توجه قرار داد. بنا بر آمارهای کم و بیس قابل اعتماد، تعداد بیکاران در ایران به ۲ تا ۴ میلیون نفر بالغ شده است، که اگر به قول رئیس کل بانک مرکزی استناد کنیم و قبول داشته باشیم که "اصال ۷۰۰ هزار الی یک میلیون نفر نیروی کار جوان، ۱۸ ساله به بازاری آیند و کسی به این فکر نیست که برای آنها کار ایجاد کند" (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ مردادماه ۱۳۵۹)، آنوقت با سیاه عظیمی از بیکاران در حد ۵ میلیون نفر روبرو میشویم، که اقتصاد ایران در وضع فعلی قدرت جذب آنها را نخواهد داشت.

معمولاً وقتی در کشوری تورم به این میزان بالغ شد، باید آنرا کاملاً جدی تلقی کرد و با استفاده از کلیه امکانات درصدد مهار کردن آن بود. به عبارت دیگر، در این اوضاع و احوال، کلیه دستگاههای اقتصادی با تشریک مساعی با یکدیگر تلاش می‌کنند که با این بیماری خطرناک مقابله کنند و با اعمال سیاستهای انقباضی، از فشار تورم بکاهند و وضع عادی را اعاده دهند. توضیح آنکه، در شرایط تورمی باید با استفاده

چندی پیش رئیس کل بانک مرکزی، طی مصاحبه‌ای، اعلام داشت که:

"تورم ایران بعد از جنگ جهانی دوم در دنیا بی‌سابقه است." (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ مرداد ۱۳۵۹).

نامبرده در ادامه سخنانش، در ارتباط با کسر بودجه و میزان صادرات نفت، گفت:

"صادرات نفت ایران در تیرماه متأسفانه به سطح ۵۷۰ هزار بشکه رسید و این سطح بسیار پایین است. موقعی که صادرات بودجه کشور در سال ۱۳۵۹ تصویب شد، صادرات نفت را بر اساس ۲ میلیون بشکه گذاشته بود، یعنی ۲ میلیون بشکه تولید و دومیلیون بشکه صادرات. با این حساب کسری بودجه از صدرصد بیشتر بود، یعنی کسری از خود بودجه بیشتر بود، که این در تاریخ بی‌نظیر است. حال این درآمد، بجای آن یک سوم و یا یک چهارم شده و با این مسئله کسری بودجه خیلی زیاد است و کشور در یکه مضیقّه مالی شدید خواهد بود."

برای اینکه تابلوی روشنتری از وضع نابسامان اقتصادی کشور در اختیار داشته باشیم، لازم است که به آمار بانک مرکزی ایران در مورد شاخص بهای عمده فروشی کالاها توجه کنیم.

بانک مرکزی اعلام کرد که: "شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در تیرماه ۱۳۵۹ نسبت به تیرماه ۱۳۵۸ بیش از ۳۴ درصد افزایش از خود نشان داد." (روزنامه اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۵۹).

حال اگر فراموش نکنیم که آمار بانک مرکزی مربوط به بهای عمده فروشی کالاها است و برای اطلاع از بهای خرده فروشی کالاها باید چند درصد به بهای عمده فروشی اضافه کرد، آنوقت متوجه خواهیم شد که چه خطر بزرگی اقتصاد ایران را

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

# کارگران کفاش تبریز میگویند:



ما فاقد مزایای قانونی هستیم  
ما دلتراجه خدمات درمانی می خواهیم  
بازرگانی خارجی را ملی کنید. جلوی  
احتکار و گرانی را بگیرید!  
مواد اولیه مورد نیاز ما را فراهم کنید

"بیکار بودم. در تظاهرات شرکت می کردم  
..."  
می پرسیم: از دولت چه انتظاری داری؟ می  
گوید:  
"باید سرمایه داری بزرگ را از بین ببرد و  
کارخانه ها را ملی کند و در دست خود بگیرد."  
می پرسیم: سرمایه دار طاغوتی کیست؟ میگوید:  
"آن کسی که کارگران را بی رحمانه استثمار  
می کند، اجناس و مواد اولیه را احتکار می کند و  
باعث گرانی می شود."

باصاحب یک کارگاه صحبت می کنیم. میگوید:  
"ده سال است که کفاش. بزرگترین مشکل  
زندگی من مسکن است و بزرگترین مشکل کار اینک،  
مواد اولیه کم است و گران، دولت باید بازرگانی  
خارجی را در دست خود بگیرد، تا از گرانی کالاها  
جلوگیری کند."

می پرسیم: حالا که آمریکا به ایران تجاوز  
نظایف کرده و خطر هنوز رفع نشده، مردم چه  
وظیفه ای دارند؟ میگوید:

"مساله اساسی فعلا اتحاد همه نیروهاست.  
گروه های سیاسی نباید کارشکنی کنند. باید  
اختلافات خود را کنار بگذارند."  
و کفاش دیگری میگوید:

"حدود بیست سال است کفاشی می کنم. فعلا  
برای خودم کاری کنم. جنس پیدا نمی شود. اگر  
هم پیدا بشود، گران به دست ما می رسد. دلیلش  
هم اینست که سرمایه داران احتکار، کالا را انبار  
می کنند و به قیمت گران می فروشند و ما مجبوریم  
بخریم. مثالی بزنم. حرمی را که سی تومان  
می خریدیم، حالا سنجاه تومان شده است. همان  
طور که در قانون اساسی نیز قید شده است،  
بازرگانی خارجی باید در دست دولت متمرکز شود،  
تاجلوی تورم و گرانی گرفته شود. قبلا ما محتاج  
کفاشی از هندوستان و آلمان غربی و انگلستان  
وارد می شد. دولت می تواند این اجناس را بخرد  
و در اختیار ما قرار دهد. فعلا، منافسانه هنوز وضع  
ماتئیری نکرده. فشار زندگی زیاد ندهد است."

و ادامه می دهد: "اگر از سندیگای ماستیبانی  
سود، فکر می کنم بیشتر مشکلات ما حل شود."  
به کارگاه دیگری می رویم. با صاحب کارگاه به  
گفتگو می نشینیم. میگوید:

"ما اینجا دونفر شریکیم. مواد اولیه کمیاب  
است. سرمایه داران احتکار می کنند. بیکار یکی از  
آنها را دستگیر کردیم و تحویل ستاد مبارزه با  
گرانفروشی دادیم. ولی باز مشکل ما حل نشد.  
به نظرم دولت باید تمام کارخانه های بزرگ را  
ملی کند و دست سرمایه داران بزرگ را کوتاه کند.

"بیکار بودم. ارکارفرما بول فرس می کردم.  
زندگی را به یک شکل می گذراندم. یک بار مرا  
گرفتند. در کلانتری ۶ کتکم زدند و هنوز که هنوز  
است دارو می خورم و ناراحتی عصبی دارم."  
میگوید:

"والله ما هم اهل این مملکت هستیم. به  
وضع ما برسید جلوی گرانی را بگیرید."  
رضا یکی دیگر از کارگران، میگوید:

"یک سال است در اینجا کاری نمی کنم. تا  
کلاس پنجم درس خوانده ام. هیجده سال دارم.  
روزی چهل و پنج تومان مزد می گیرم. دولت  
باید به وضع ما رسیدگی کند و گرانی را از بین  
ببرد. من با چهل و پنج تومان حقوق خرج  
چهار نفر را می دهم."

داود، کارگر دیگر، میگوید:

"بیست و چهار سال دارم و ده سال را  
کار کرده ام. از دولت می خواهم که مسکن در  
اختیار ما بگذارد.

در جریان انقلاب در تمام تظاهرات شرکت  
کردم. ما کارگران بودیم که خون دادیم، نه  
سرمایه داران. ولی کاری که برای ما می بایست  
بشد، هنوز نشده است."

درومورد کارش میگوید:

"اگر مواد اولیه تمام شود، همه ما باید  
در خیابان ول بگردیم."

یک کفاش میگوید:

"جرم را کیلویی هفده تومان می خریدیم،  
ولی حالا چهل و پنج تومان می خریم. رویه  
کفاس را دوازده تومان می خریدیم، فعلا هفده  
تومان می خریم. هر روز هم گرانتر می شود.  
دولت باید جلوی گران فروشان کالاها را  
بگیرد."

خواسته های کارگران کفاش عبارتند از:

- ۱- تامین بیمه خدمات درمانی،
- ۲- تامین مسکن،
- ۳- تامین مواد اولیه.

ناموسی که سرمایه دار وابسته هست و سرمایه داری  
بزرگ حاکم است، وضع کارگران بهتر نخواهد شد."  
عمره یکی از کارگران این کارگاه، میگوید:

"بیش از هفت سال است که کفاشم. در زندگی  
نه مسکنی دارم و نه رفاهی. دوسه بار به بنیاد  
مسکن مراجعه کردم. ولی هنوز موفق نشده ام  
خانهای گیبیوروم. دولت باید به وضع ما رسیدگی  
کند. ما می خواهیم تحت بونس بیمه خدمات  
درمانی قرار بگیریم."

فرامرز، یکی دیگر از کارگران، میگوید:

"هیجده سال دارم. اول قالی بافی می کردم،  
ولی فعلا در کفاشی مشغول کارم. تا کلاس سوم درس  
خوانده ام. بعد مجبور شدم کار کنم. فعلا خرج سه  
نفر را می دهم. از دولت می خواهم که به وضع ما  
رسیدگی کند."

فرج کارگر دیگر کارگاه میگوید:

"خرج ما از درآمدمان بیشتر است. وضع  
زندگی ما اصلا خوب نیست. تا به حال کسی به  
اینجا نیامده، تا به وضع ما برسد. شما اولین فردی  
هستید که بعد از انقلاب، از وضع زندگی ما خبر  
می گیرید."

"انقلاب را شروع کردیم. ما انقلاب کردیم.  
ولی زندگی ما بهتر نشده است. با نوزده سال است  
کارگریم، ولی یک قران بی اندازه ندارم. ما  
می خواهیم که دولت جلوی گرانی را بگیرد و به  
وضع بیمه ما رسیدگی کند. می خواهیم بیمه  
خدمات درمانی شویم. دولت باید برای ما شرکت  
تعاونی ایجاد کند و ما را از این گرانی خلاص  
کند."

کارگر دیگری میگوید:

"چهل سال کار کرده ام. اولین خواستم  
اینست که به ما دلتراجه خدمات درمانی بدهند.  
تسا بگوئید، ما کی بازنشسته خواهیم شد؟ کجای  
دنیا آدم بعد از چهل سال کار کردن باز مجبور است  
قسط بانک بدهد؟ بعد از عمری، خانه ای گرفته ام  
و حالا مجبورم مرتب بول بانک را بدهم."

می پرسیم: زمان انقلاب چکار می کردند؟  
میگوید:

اداره کل کار و امور اجتماعی استان خراسان،  
در ارتباط با خبرمندرج در شماره ۲۵۶ نامه مردم  
(مورخه ۵۹/۱/۲۵)، زیر عنوان "امنیت جانی و  
سلامتی کارگران در حین کار باید تامین شود."  
نامه ای به دفتر نامه مردم ارسال داشته، و  
بویژه در ارتباط با حادثه ای که منجر به قطع سه  
انگشت دست یک کارگر در کارخانه چرم و پوست  
خراسان مشهد شده، مسائلی را عنوان کرده است.

در این نامه آمده است:

"تا آنجایی که این اداره کل اطلاع دارد،  
کارخانه چرم و پوست خراسان، از نظر ایمنی  
حفاظتی وضع نسبتا مناسبی دارد."  
در ادامه نامه، ضمن اشاره به حادثه منجر  
به قطع سه انگشت دست یک کارگر آمده است:

"حادثه ای که در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ برای  
آقای ابراهیم پرهیزکار اتفاق افتاده... بازرس  
کار این اداره کل، که کارشناس حوادث ناشی از  
کار می باشد، از محل حادثه بازرسی به عمل آورده  
و گزارشی نیز تنظیم و به مراجع ذی ربط اعلام  
گردیده."

## اخبار کارگری

گرستی باید بکشیم، ولی اگر حقوق مسلم  
و تعیین شده ما طبق بخشنامه وزارت کار  
پرداخت شود، دیگر تن به این خواری و  
ذلت نخواهیم داد. وظیفه دولت است که  
به درد دل ما برسد و ما را از این بدبختی  
نجات دهد. ما می توانیم مثل دیگر کارگران  
زندگی کنیم."

این کارگران سندیگا دارند، ولی هنوز  
فضای حاکم برسندیگا طاغوتی است. نمایندگان  
نیز از بیم اخراج، کاری از دستشان ساخته نیست.  
به این ترتیب سندیگا تاکنون هیچ فعالیتی در  
مورد احقاق حقوق کارگران نداشته است.

کارگران دفتر رسمی، خواسته های خود را  
این گونه بیان داشتند:

- ۱- اجرای بخشنامه جدید وزارت کار و  
پرداخت حداقل حقوق مطابق آن،
- ۲- پرداخت کمک هزینه مسکن، خواربار و  
حق اولاد،
- ۳- بیمه کردن کارکنان،
- ۴- ملی کردن تمام دفاتر اسناد رسمی.

## دثاثر اسناد رسمی را ملی کنید

بخشنامه جدید وزارت کار در مورد کارکنان  
دفاتر رسمی اجرا نمی شود.

کارگران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی از افراد  
زحمتکشی هستند که هنوز چوب دوران طاغوت را  
می خورند. در تماسی که با چند تن از آنها داستیم،  
مشکلات خویش را مطرح کردند.

یکی از کارگران گفت:

"بعد از ۱۷ سال سابقه کار، ماهیانه ۸۵۰  
(هشتصد) تومان حقوق می گیرم. از هزینه مسکن و  
خواربار و حق اولاد خبری نیست. کارفرما ما را  
و ادار می کند تا از ارباب رجوع اخاذی کنیم. هر  
وقت اعتراض کنیم میگوید: "درآمد خود من نیز  
از ارباب رجوع تامین می شود. اگر حقوق بیشتر  
می خواهید، شما نیز از مراجعین بگیرید."

دیگری میگوید:

"من دیبلمه هستم. حدود دوسال است که  
به این کار مشغولم. حقوقم ۶۰۰ تومان است. هر  
چند همه می گویند، اخاذی کار بدی است و  
باعب بی آبرویی و خرد شدن شخصیت می شود،  
ولی ما را تشویق به این کار می کنند. خرج  
زندگی، گرانی و غیره، خلاصه مشکلات زیاد  
است. اگر به کارفرما اعتراض کنیم که چرا  
بخشنامه وزارت کار در مورد ما اجرا نمی شود،  
حسنا اخراجمان می کند. اگر اخراج شویم،

## چرا کارگران آدمیرام اخراج می شوند؟

کارخانه آدمیرام در جاده فرودگاه  
شیراز قرار دارد. این کارخانه بعد از  
ملی شدن به نفع بنیاد مستضعفین  
مصادره شد.

به گفته کارگران این کارخانه،  
مدیر داخلی کارخانه چشم دیدن مخالفان  
خود را ندارد و هر کارگری که با وی مخالف  
باشد، اخراج می شود تاکنون چندین  
کارگر اخراج شده اند. یکی از آنها وقتی  
شرح اخراجش را می داد، متذکر شد که  
آقای مدیر او را مجبور کرده که علیه  
برادران کارگرش گزارش تهیه کند و در  
واقع جاسوسی کند. وقتی حاضرین این کار  
نشد، وی را اخراج کرده و حکم اخراجش  
را به بنیاد مستضعفین فرستاده است.

متاء سفا نه آنجا نیز به کارگر  
رسیدگی نشده است و وقتی کارگر در مورد  
اخراجش توضیح خواسته است، جرم او را  
شرکت در کارهای نون اسلامی شوراها ذکر  
کرده اند!

آیا بآید کارگری را به جرم شرکت در  
کار نون اسلامی شوراها از کارخانه اخراج  
کنند؟

کارگران این کارخانه از مسئولین  
امر می خواهند هر چه زودتر به وضع آنان  
رسیدگی کنند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند.  
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.



### روستاهای دهدز «سادات حسینی کوزوک» و مشکلاتشان



گودکان و معلمین دیستان روستایی دهدز «سادات حسینی کوزوک» با راهپیمایی خود، از تشکیل شورای اسلامی در ده حمایت می کنند.

سادات حسینی «کوزوک»، دهستانی بزرگ از توابع بخش دهدز است، که در شمال شرقی ایذه واقع شده است و از جنوب به چهارمحال بختیاری، از مشرق به کوه بلندیایه و پوشیده از برف قلوون و از مغرب به رودخانه کارون منتهی می شود. مردم سادات زندگی خود را از راه دامپروری و کشاورزی و کارهای دستی نظیر قالیبافی می گذرانند. از وسایل کسب و کاری خبری نیست و کشاورزان غالباً از وسایل کسب و کاری سنتی استفاده می کنند. رودخانه کارون در دهستان سادات حسینی را از سایر روستاهای ایذه، به خصوص بخش دهدز، جدا می کند، و در اینجا متأسفانه هیچگونه پل ارتباطی وجود ندارد.

مردم این دیار از نظر کشاورزی و بهداشت و آموزش و ابزات تولیدکننده و زراعت عقب افتاده ترین روستا نشینان خوزستان هستند. هنوز کشاورزان با استفاده از وسایل سنتی کار و آهنگ زمینهای خود را شخم می زنند.

تأخیر از انقلاب، در اینجا مردم - مستعبد و زحمتکش زیر فشار خان ها زندگی می کردند و از ابتدا ثنی ترین امکانات زندگی محروم بودند.

پس از پیروزی انقلاب، اهالی زحمتکش این روستا، با همکاری نهادهای انقلابی، ویژه جهاد سازندگی، و با کمک معلمین اقدام به تشکیل شوراها کردند. تعداد افراد شورا، که با توجه به نسبت افراد دهروستا تعیین شد، در مجموع به ۲۳ نفر رسید که به عنوان شورای اسلامی سادات حسینی فعالیت خود را شروع کردند. از عملکردهای انقلابی این شورا تقسیم زمین بطور عادلانه بین کشاورزان و مبارزه با مواد مخدر بوده است. با ساداران انقلاب در حل مشکلات زندگی روستایان همکاری بسیار نزدیک با آنها داشته اند.

مردم سادات حسینی کوزوک طی مدت اخیر با برپایی تظاهرات با شکوه در پشتیبانی از رهبران انقلاب و تأسیس دانشجویان مسلمان بیروخط امام به دنبال راهپیمایی علیه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، خواستهای خود را از طریق شورای منتخب خود با مسئولین در میان گذاشتند. مهم ترین خواسته های مردم سادات حسینی عبارتند از:

۱- اعزام سزک و بهبود وضع درمانی

پاسخ مسئولین بخواستهای دهقانان

در نامه «مردم»، شماره ۳۶۰، مورخ ۵۹/۳/۲۷، یک خبر دهقانی با عنوان «قبل از برخورد و تضح باید هر چه زودتر به خواستها رسیدگی کرد»، درج گردید.

در این زمینه یک نامه، با شماره ۵۹/۳/۳۰۰ - ۳۷ مورخ ۵۹/۳/۲۷، از طرف مدیر عامل شرکت سهامی آب منطقه ای سما به دفتر نامه «مردم» ارسال شده است. این نامه عیناً نقل می گردد:

«آبی که از فوتمات از طریق کانال احداث شده و مزادع برنجکاری کشاورزان کپورچال حدود ۴۰ کیلو متری بندر انزلی از این آب مشروب می شود، اخیراً توسط عده ای مسدود شده و مانع رسیدن آب به مزارع گشته اند و کشاورزان خواستار احقاق حق هستند» درج گردیده که با حقیقت وفق نمی دهد. برای روشن شدن اذهان عمومی و حقیقت موضوع لزوماً اشعار می گردد که به اراضی کپورچال در موقع خود آب کافی از طریق کانال آب پر فوتمات داده شده و در حال حاضر کشاورزان مشمول جمع آوری محصول خود می باشند.»

نامه «مردم» در این باره به تحقیقات خود ادامه می دهد.

در باره یک خبر دهقانی، که در شماره ۳۷۶ نامه «مردم»، مورخ ۱۶ تیرماه ۵۹، با عنوان «مسائل روستاهای کوچصفهان گیلان»، نامه ای از طرف روابط عمومی بانک کشاورزی، با شماره ۱۰۵۳۹۹۰۱۲۸۳ مورخ ۵۹/۳/۱۰ به دفتر نامه «مردم» ارسال گردیده، که عیناً درج می گردد:

«شعب بانک کشاورزی در سراسر کشور آماده می باشند تقاضاهای وام کشاورزان را برای انواع فعالیت های کشاورزی دریافت دارند و بابت رسیدگی و وام لازم پرداخت نمایند. کشاورزان عزیز روستاهای کوچصفهان نیز می توانند به نزدیکترین شعبه بانک کشاورزی مراجعه و تقاضای وام نمایند.

تقاضای شان در موعد مقرر رسیدگی شده و کارشناسان و ارزیابان بانک از محل توستانها و سایر مراکز که برای اجرای طرحهای کشاورزی در نظر گرفته اند، بازدید نموده و با توجه به مقررات وام لازم را تصویب می نمایند. مدت وام نیز با توجه به نوع فعالیت کشاورزی و امکانات مالی متقاضیان تعیین می شود و بهره نیز حذف شده و فقط سالانه ۲ درصد کارمزد دریافت می شود.»

نامه «مردم» - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، امیدواریم که کشاورزان کوچصفهان با دریافت کمک مالی بتوانند به حل گشوه های از مشکلات خود موفق شوند.

در شماره ۳۰۸ نامه «مردم» مورخ ۵۹/۳/۲۴ یک خبر دهقانی تحت عنوان «چاه های روستایی یک مسئله مهم و جدی»، از روستای ونج کلا، از توابع قائم شهر درج گردید.

در این زمینه از طرف اداره کل ارشاد ملی استان مازندران نامه ای به شماره ۳۹۴۸، مورخ ۵۹/۳/۲۷ و فتوکپی نامه ای از طرف مدیرکل راه و ترابری استان مازندران، به شماره ۷۳۴۷، مورخ ۵۹/۳/۱۵، به دفتر نامه «مردم» ارسال گردید، که عیناً نقل می گردد:

«پیرو نامه شماره ۱۳۵۴ - ۵۹/۳/۲۱ ضمن تأیید کارشناسان فرمانداری قائم شهر و اداره کل راه و ترابری مسیر روستایی واسکس - ونج کلا به لحاظ دارا بودن راه ارتباطی طی سال جاری در اولویت قرار ندارد.»

نامه «مردم» - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، با توجه به اینکه راه ارتباطی نامبرده در مواقع اضطراری مشکلاتی برای روستائیان فراهم می سازد، در صورت وجود امکانات لازم، از مقامات مسئول درخواست می کنیم که در برنامه عمرانی آتی خود، حتماً به بازسازی این چاه اقدام نمایند.

و بهداشتی منطقه، ۲- کمکهای دولتی در جهت بهبود وضع کشاورزی

۳- احداث پل بر روی رود کارون در قسمتی که از کنار این روستاها می گذرد.

اخیراً بانک کشاورزی با همکاری نهادهای انقلابی، وامهای ۵۰۰۰ تومانی در اختیار کشاورزان قرار داده اند. ولی اهالی زحمتکش و محروم این روستاها هنوز در انتظار اقدامات بنیادین از سوی دولت در جهت بهبود وضع کشاورزی، درمانی و فرهنگی هستند.

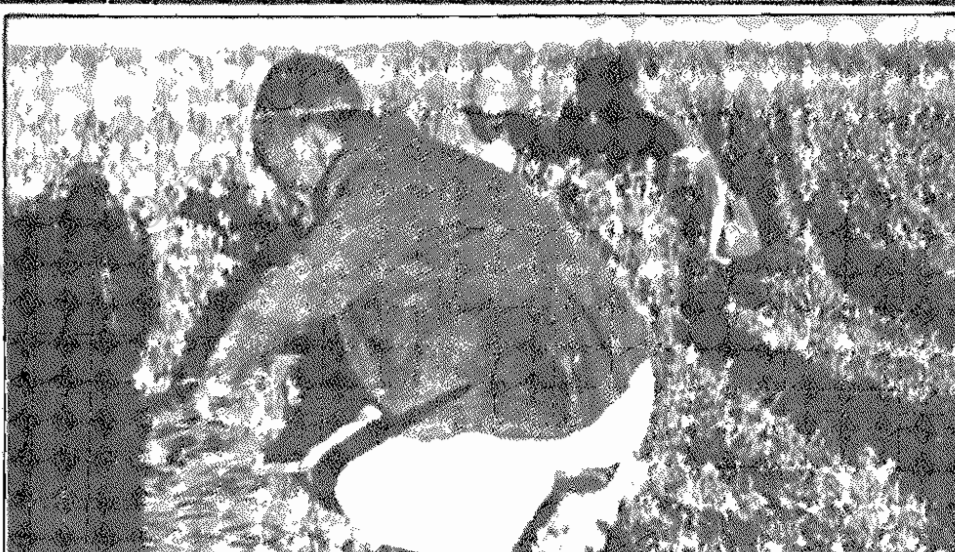
زمین را در شولاتی آباده تقسیم کنید

مدتی پیش دهقانان شولاتی آباده، با کمک جهاد سازندگی موفق شدند به بعضی از خواستهای خود برسند. تا سال پیش، تقسیم برداشت محصول بین ارباب و رعیت چهار یک بود، یعنی از ۴ من برداشت محصول، سه من متعلق به ارباب و ۱ من متعلق به رعیت بود. امسال دهقانان با کمک جهاد سازندگی موفق شدند که نسبت مزبور را به پنج دو برسانند، یعنی از ۵ من برداشت محصول، سه من به ارباب و دو من به رعیت تعلق می گیرد، مشروط بر اینکه آب و بذر و کود و هزینه شخم و درو را ارباب بدهد.

۳۶ جبه از آب شولاتی متعلق به بزرگ مالکان بود. (لازم به تذکر است که هر دهکتاب شامل ۱۴ جبه است). همچنین بنیاد مستضعفین آباده امسال یک فئودال را مصادره کرد. این فئودال در عباس آباد، که یکی از روستاهای آباده است، زندگی میکرد. او مالک بیش از ۴۰ باغ انگور و زمینهای زیر کشت گندم و جو بود.

این زمیندار بزرگ در مزارع لانا و سرگز نیز صاحب آب و زمین بود، مزرعه کوشک بطور کامل در اختیار او بود. کوشک ۱۸ اینچ آب دارد. عباس آباد نیز ۱۸ اینچ آب دارد. بطور عمده آب عباس آباد و زمین های مزروعی در اختیار او بود. فعلاً قرار بر این شده که دهقانان نصف محصول را به بنیاد مستضعفین بدهند و نصف دیگر را خود بردارند، ولی هنوز زمینها را واگذار به دهقانان نکرده اند.

با واگذاری زمین به دهقانان تهرست و توزیع عادلانه آب، عدالت در این روستا برقرار میشود. محصول دهقان مال خود دهقان است، زیرا حاصل دسترنج اوست.



تعدادی از کشاورزان روستان «هرچکان» در حال انجام کار (چیدن یونجه).

آنها نیز، در اثر سرمای شدید، مقداری از محصولات یانیزه خود را از دست داده اند. آنها میگویند اینهمه زحمت میکشیم، ولی

**دهقانان کم زمین و بی زمین!**

با تشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و اولادلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

**قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود**

نیستند و برای این منظور تمام نیروی خود را متشکل کرده اند و در فکر آنند که از کوچکترین امکان برای ضربه زدن بسه انقلاب ما استفاده کنند.

جواب توطئه های امپریالیسم را باید با هوشیاری نیروهای انقلابی و استفاده از تمام امکانات توده های مردم و سر مبنای اتحاد نیروهای مبارز ضد امپریالیست داد. با شکست این با رنیز توطئه ها امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران خنثی و بیرون ریزی بیشتری نصیب انقلاب ایران گردد.

مرکز امپریالیسم آمریکا

زنده باد جمهوری اسلامی ایران!

برقرار بیا در اتحاد همه نیروهای انقلابی تحت رهبری امام خمینی!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان ۱۳۵۹/۶/۳

ساختن تلاشهای دشمنان انقلاب فروگذار نخواهد کرد.

بدنبال این اعلامیه، حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان، در دونا مه به سیاه پاسداران انقلاب اسلامی آبادان خواستار آن شبکه، از تمام نیروی حزب برای مبارزه با تهاجم امپریالیسم، در هر نقطه و مکانی که سیاه پاسداران صلاح بدانند، استفاده شود. در کنار تمام این کوششها، حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان، با راهها و به مناسبت های مختلف، نیروهای سیاسی شهر را از متشنج کردن جو شهر بر حذر داشته و با تمام نیرو علیه تشنج در سطح شهر رزمیده است.

لذا جای بسی تأسف است که دادا دسرای انقلاب اسلامی آبادان تمام این واقعیتها را نادیده گرفته و با ممنوع کردن فعالیت حزب ما، عملاً به تضعیف مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی پرداخته است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان ضمن اعتراض شدید به این حکم غیر عادلانه و خلاف قانون اساسی، نظراً که شروع محترم آبادان و سایر مقامات مسئول را به نادرستی آن جلب میکنند و خواستار آنست که هر چه زودتر، محدودیتهای که بر سر راه فعالیت حزب ما ایجاد شده است، برطرف گردد.

دشمن در کمین است. امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن، آبی از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران غافل

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان:

**جواب توطئه های امپریالیسم را باید با هوشیاری و بر مبنای اتحاد نیروهای مبارز ضد امپریالیسم داد**

بدنبال اعلامیه دادستان انقلاب آبادان و خرمشهر مبنی بر ممنوع بودن فعالیت چند گروه و سازمان و از جمله حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در آبادان نامه ای خطاب به ریاست دادسرای انقلاب اسلامی این شهرستان است. متن این نامه شرح زیر است:

ریاست محترم دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر

بدنبال درگیری تاسف باری که در روز پنجشنبه و جمعه ۳۱ و ۳۰ مرداد ماه در دو شهر آبادان و خرمشهر روی داد (رویداد) که دل هرایرانی مبارز و وطن دوستی را ببرد می آورد) دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، طی اطلاعیه ای، فعالیت چند گروه سیاسی را در سطح این دو شهر ممنوع و تعیین تکلیف در باره آنها را به عهده مجلسین شورای اسلامی محول کرد.

در کنار ممنوع کردن فعالیت چند گروه دیگر، فعالیت حزب ما نیز به ناحق و بدون آنکه کوچکترین شرکتی در وقایع اخیر داشته باشد، ممنوع اعلام گردید. در اعلامیه دادسرای انقلاب اسلامی آبادان از جمله از حزب ما بعنوان حزبی توطئه گرو برهم زنده، نظم و درخت آمریکا نام برده شده است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبدان:

حزب توده ایران به شهادت مباحث نامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، و فعالیت حزب درخشنی کردن توطئه های ضد انقلاب، به کرات ثابت کرده است که از بی گیرترین نیروهای مدافع انقلاب تحت رهبری امام خمینی است و برای به پیروزی رسانیدن انقلاب از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد. در کنار دهها نمونه غیر قابل انکار درخشنی کردن توطئه های ضد انقلابی، حزب ما اولین سازمان سیاسی است که، بعد از کشف کودتای نافرجام ۱۸ تیر، در اعلامیه پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۵۹ کمیته مرکزی حزب، از توطئه جدید امپریالیسم آمریکا برای هجوم به مناطق جنوبی کشور پرده برداشته و همه نیروهای انقلابی را به مبارزه متحد برای خنثی کردن توطئه جدید فرا خوانده است. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما آمده بود:

«حزب توده ایران یکبار دیگر، همزمان با دعوت وحدت همه نیروها، هما نظر که در تمام دوران انقلاب عمل کرده است، تمام نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد و از هیچ کوششی برای ناکام

تورم و...

گردايم.
۱- نظارت بر اجرای دقیق برنامه ها بوسیله دولت و بانک های پرداخت کننده اعتبار. تنها بدین طریق می توان مطمئن بود که اجزاء برنامه ها در زمانهای پیش بینی شده به انجام خواهد رسید و در پایان مدت مقرر به اجرای کامل برنامه موفق خواهیم شد.
۲- نظارت بر حجم پول در گردش و تطبیق آن با نیازهای واقعی اقتصاد. بانک مرکزی که قبول کرده است، تورم ایران در سالهای بعد از جنگ دوم بی سابقه است، باید بعنوان فوری ترین وظیفه خود با استفاده از وسایل لازم، به مبارزه با تورم برخیزد و تعادل لازم را در اقتصاد ایران تأمین کند.
۳- همچنین برعهده سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است که هم گام با بانک مرکزی، اقدامات لازم در جهت جبران گسری عجیب بودجه کشور بعمل آورند، و به قول رئیس بانک مرکزی، گسری بیش از صد درصد را بپوشانند.
باید هر چه زودتر مطالعات لازم برای تهیه بودجه جدید براساس اوضاع و احوال بعد از تحریم اقتصادی و کاهش درآمد حاصل از نفت، به عمل آید و هدف این باشد که، تا حد امکان در هزینه ها صرفه جویی شود و به درآمدها اضافه گردد.
یک بار دیگر با صراحت و روشنی کامل اعلام می کنیم که: اگر این وضع ادامه یابد و با برنامه ریزی های صحیح و استفاده از ابزارهای اقتصادی به مبارزه با مشکلات اقتصادی نرویم، دستاوردهای انقلاب با خطرات جدی روبرو خواهد شد.

در جهان سوسیالیسم

درآمد ملی کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» در کمتر از سی سال هشت برابر شد

در سالهای ۵۹-۱۳۵۵، کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» کشورهای خود را برای نزدیک تر کردن سطح اقتصاد خود ادا مسه دادند.
در سال ۱۳۲۹، تولید صنعتی و درآمد ملی سرانه کشورهای پیشرفته سرمایه داری بترتیب ۵۰ و ۳/۲ برابر کشورهای عقب «شورا» بود این ارقام اکنون به ۱۷/۳ و ۱۱/۳ تنزل یافت.
در اروپای غربی دستاوردهای اقتصادی- اجتماعی کشورهای «شورا» با پیدتوجه داشت که، این نتایج، بسیار مداوم است.
کامیابی های این کشورها در سالهای پیشین بود روند رشد اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی، روندی بیگراست. آنها، برخلاف کشورهای سرمایه داری، مجبور نیستند که بعلت بحران و دیگربلیای شیوه تولید سرمایه داری نخست مواضع از دست رفته خود را باز یابند و پس از آن احیاناً به مراحل پیشرفته تر برسند.
در اروپای غربی، درآمد ملی در سالهای ۵۸-۱۳۲۹، درآمد ملی کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» هشت برابر شد، در حالیکه این پیگیره برای کشورهای «جامعه اقتصادی اروپا» کمی بیش از ۳ بود.
در سال ۱۳۲۹، تولید صنعتی کشورهای بی کدها اکنون «جامعه» هستند، فزون تر از تولید «شورای همیاری اقتصادی» بود، امروزه تولید کشورهای «شورا» بیش از دو برابر تولید «جامعه اقتصادی اروپا» است.

در جهان سرمایه داری

تورم و بیکاری فزاینده در بریتانیا

نرخ تورم در بریتانیا، با ۲۲ درصد، رکورد جدیدی بجای گذاشته است. این رقم دو برابر بیکاره، مشابه در آستانه نخست وزیر بریتانیا است. بدین ترتیب، بریتانیا از نظر نرخ تورم، پس از ایتالیا (۲۴/۵ درصد) مقام دوم را حائز است. تورم تنها مصیبت اقتصادی بریتانیا نیست. بیکاری وسیع نیز در آنجا بیداد می کند. جدول زیر، که برپایه آمار رسمی تدوین شده است، اطلاعات بیشتری در این باره بدست میدهد.

Table with 2 columns: Year, Rate (Percentage). Rows for 1954, 1956, 1958, and September 1959.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در یوشمین:

ضد انقلاب در منطقه متشکل میشود، هشیار و متحد باشیم!

مردم مبارز بوشهر!، مسئولین محترم امور!
انقلاب ایران باگشودن افقهای نو بر مردم، توان این را دارد که امیدها و آرمانهای جامعه ایران را تحقق ببخشد. امواج توفنده انقلاب در جریان برکناری رژیم فاسد گذشته توانست به یکی از عظیم ترین شکست های قرن، یعنی سرنگونی رژیم آمریکائی شاه دست یازد. انقلاب ماتواسته است بخشی از خواسته های محرومان را برآورده نماید، ولی مادر این لحظه که یکسال و اندی از انقلاب می گذرد، با مسائل و دشواریهای فراوانی روبرو هستیم.
از یک طرف عوامل وابسته به رژیم سابق، که می بایست بلافاصله پس از پیروزی انقلاب قلع و قمع شوند، بدلیل سیاست ماشاات دولت موقت تا حدود زیادی از خطر جستنند و بطور بیگیر در حال سازماندهی و یارگیری برای مقابله با انقلاب هستند. ضداقلاب از نایبمانی هایی که خود موجد اصلی آنست، به وجود آمده و تلاش می کند عوامل خود را از جم و ریز گرفته تا دیلم متشکل سازد و حتی برقراری تماس با بعضی از مسئولین رسمی و ولی ناآگاه و یا سازشکار، توطئه خود را تکمیل کند.

در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد، نمایندگان کشورهای در حال رشد خواهان تغییرات بنیادی در روابط اقتصادی بین المللی شدند

راشلیک جکسون، وزیر امور خارجه و تجارت خارجی گوین، در نطق خود در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به لزوم تغییرات بنیادی در روابط اقتصادی بین المللی تاکید کرد که تدابیر ظاهری نمی تواند به حل و فصل مشکلات کمک کند.
جکسون گفت که کشورهای صنعتی غرب با سیاست حمایتی خود جدا میانه نگارنی کشورهای در حال توسعه شده اند.
نماینده لیبی در این اجلاس که برای بررسی روابط جدید اقتصادی جهانی تشکیل شده است، به کشورهای در حال توسعه توصیه کرد که منابع طبیعی خود را راسا در دست گیرند و به نفع توده ها از آن استفاده کنند.

نماینده لیبی ضمن اشاره به تسلط قدرتهای غربی بر صندوق بین المللی پول و وام های کم رکن این صندوق، گفت که کشورهای در حال توسعه هر سال میلیاردها دلار تنها صرف پرداخت بهره این وامها می کنند.
وزیر برنامه ریزی آنگولا نیز در نطق خود گفت که تورم فزاینده و افزایش قیمت ها و از یاد بیکاری در کشورهای صنعتی غرب و سیاست های حمایتی این کشورها اثراتی مخرب بر اقتصاد آنگولا بجای گذاشته است، و این در حالی است که سودهای باد آورده انحصارات در کشورهای صنعتی سرمایه داری روز به روز افزایش می یابد.

خطر اشغال االسوادور بوسیله آمریکا بسیار جدی است

حزب کمونیست السوادور اعلام کرد که مبارزان راه آزادی در کشور، علیرغم سیاست سرکوب دارو دسته مزدور حاکم، فعالیت های خود را افزایش می دهند.

حزب کمونیست السوادور در بیانیه خود اضافه کرد که هزاران تن از مبارزان در دستار کشور، همراه با توده های محروم، در همه ابعاد با رژیم سربرده کشور مبارزه می کنند.

حزب کمونیست السوادور اعلام کرده است که از زمان روی کار آمدن دارو دسته نظامی، ۶ هزار تن در کشور به قتل رسیده اند، و مستشاران آمریکایی عملیات سرکوب علیه خلق را رهبری می کنند.
دبیرکل جبهه آزادیبخش خلق السوادور، یکی از سخنگویان نیروهای چپ، در مصاحبه ای گفت: "خطر اشغال السوادور بوسیله آمریکا بسیار جدی است."

با کمک و حمایت کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان، مردم کامپوچیا ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را احیاء می کنند

بن سووان، معاون شورای انقلابی خلق کامپوچیا، در ملاقات با یک هیئت سازمان صلح و همبستگی سرتاسری هند، گفت که جمهوری خلق کامپوچیا خواهان گسترش و بهبود همجانبه روابط با جمهوری هند به نفع ملت های دو کشور است، و این امر به تحکیم صلح و ثبات در آسیای جنوب شرقی کمک میکند.

بن سووان سیاستگاری دولت کامپوچیا را نسبت به بانو ایندیراگاندی نخست وزیر و دولت هند برای اقدام شرافتمندانه آنها در مورد شناسائی جمهوری خلق کامپوچیا ابراز داشت و همچنین از سازمانهای ترقیخواه هند و مردم این کشور به خاطر همبستگی با مردم کامپوچیا تشکر کرد.

معاون دولت کامپوچیا گفت که مردم این کشور پس از همسال حکومت دارو دسته بولیوت - بنگساری، به تلاش وسیع برای فائق آمدن بر مشکلات عدیده وعادی کردن زندگی در کشور دست زده اند و برانر کمک و حمایت کشورهای سوسیالیستی برادر و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان، مردم کامپوچیا توانسته اند ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را احیاء کنند.



نهیضت مبارزه با بیسوادی در نیکاراگوئه با موفقیت به پیش می رود

در نیکاراگوئه، مردم انقلابی این کشور، به قول خود "اولین پیروزی بزرگ" بعد از بیروزدن بر دیکتاتور سوموزا را جشن می گیرند، و این جشن بحاضر پایان مرحله اول مبارزه با بیسوادی در سرتاسر کشور است.

قبل از سرنگون شدن رژیم دست نشانده و خون آشام سوموزا، بیش از سد چهارم مردم نیکاراگوئه از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. به همت جبهه ملی آزادیبخش ساندنیست، هزاران تن از دانش آموزان، دانشجویان و افراد باسواد به سهرای کوچک، روستاهای دور افتاده، مزارع، کارخانه ها و کارگاهها اعزام شدند و در مدتی کمتر از ۴ ماه مرحله اول سوادموزی، یعنی خواندن و نوشتن به پایان رسید و بیش از چهارصد هزارتن باسواد شدند. (جمعی نیکاراگوئه حدود ۲ میلیون و پانصد هزار نفر است.)

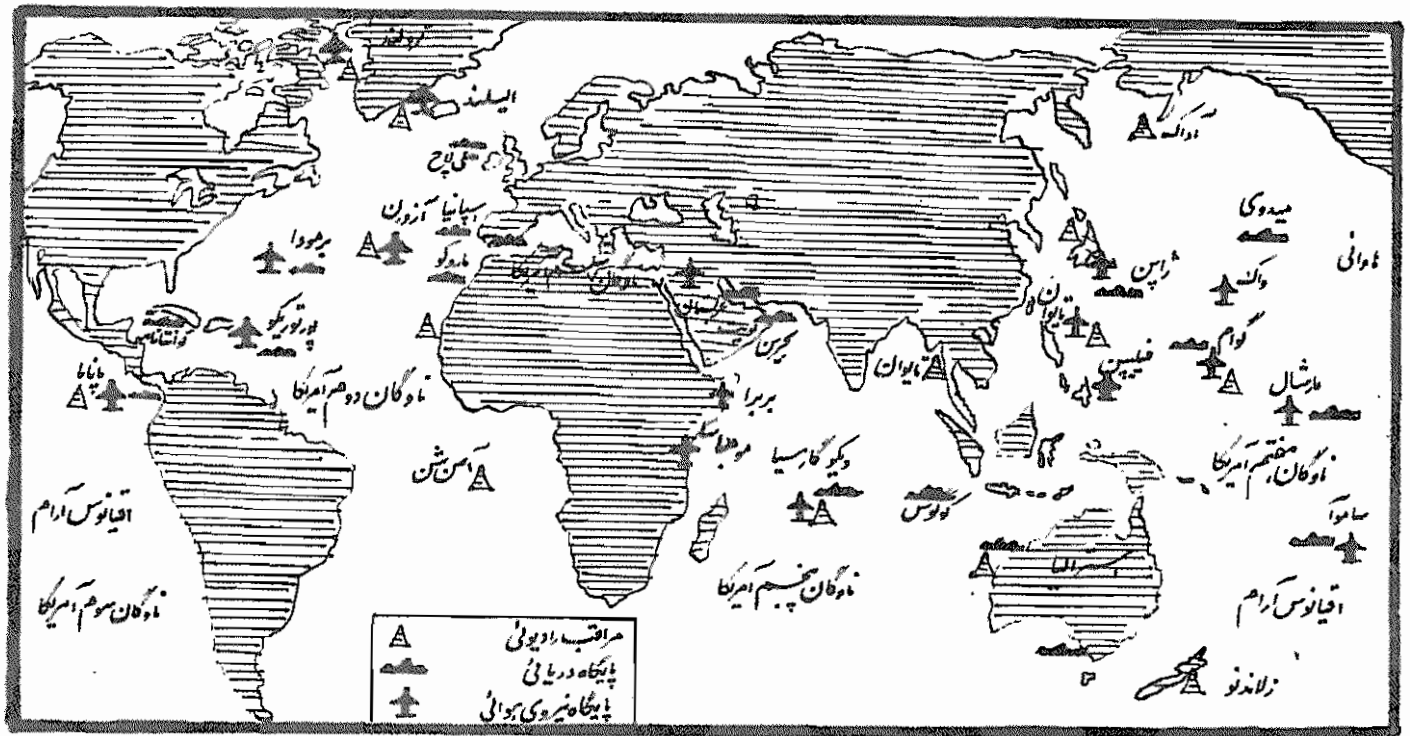
۲۳ اوت مراسم بزرگی در میدان بزرگ شهر نیکاراگوئه برپا شد، که در آن از جمله بیست هزار نفر از افرادی که در این نهضت بزرگ فعالیت داشتند، شرکت کردند. این فعالین در روستاها نه تنها به کشاورزان سواد آموختند، بلکه روشهای مدرن کشاورزی، مسائل قدمماتی بهداشتی و دامداری و غیره را نیز به روستائیان که قرنیه بوسیله استثمارگران و فئودالها در بی خبری نگاف داشته می شدند، آموختند. بزودی مرحله دوم سوادموزی، یعنی دادن آموزش وسیعتر به توده های که باسواد شده اند، آغاز می شود.

بازار مکاره لاپیزیک گشایش یافت

بازار مکاره بزرگ لاپیزیک (جمهوری دمکراتیک آلمان) با شرکت ۵۲ کشور جهان، از جمله بیست کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین گشایش یافت. بازار مکاره لاپیزیک تا ششم سیتا میسر ادا شده است. اتحاد شوروی بزرگترین شرکت کننده این بازار است.
مدیر بازار مکاره گفت: "این بازار با ردیکوسیم برجسته خود را در توسعه تجارت جهانی و همکاری های سلامت آمیز ادا خواهد کرد.
اریش هونگر، رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان، ضمن دیدار از غرفه اتحاد شوروی، گفت که شنیدن تحت تاثیر قرار گرفتن است. وی اضافه کرد که غرفه شوروی نشان دهنده دستاوردهای بزرگ مردم این کشور است. هونگر با دورشدن که غرفه اتحاد شوروی نشان دهنده تدارک گسترده برای بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی است، که دورنما های جدیدی برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و صلح جهانی خواهد گشود.



# امپریالیسم آمریکا - ژاندارم جهانی



سوسیالیستی و تجاوز علیه جنبش های آزادی بخش ملوکشورهای مرقی و مستقل جهان، کاسته نشده است، بلکه چنانکه اخبار هفته های اخیر حاکی است، «پنتاگون» برای توسعه هرچه بیشتر شبکه پایگاههای خود کوشش میوزد. پایگاههای یومپاسا در کنیا و بربرادرسومالی، تنها دو نمونه این گسترش طلبی است.

براون، وزیر دفاع آمریکا، در سخنرانی پانز سال گذشته، مقاصد تجاوزکارانه «پنتاگون» را آشکارا لو داد. وی گفت: «مرزهای ایالات متحده آمریکا» کمائی را دربر میگیرد، که از شمال تروژ شروع میشود و به ژاپن ختم میگردد.

جدول زیر، که برپایه داده های «یو. اس. نیوز اندورلد ریپورت» تدوین شده است، شماره سربازان آمریکایی را در خارج از مرزهای ایالات متحده نشان میدهد:

شماره سربازان آمریکایی	کشور
۲۳۹۰۰۰	جمهوری فدرال آلمان
۲۳۰۰۰	بریتانیا
۱۱۷۰۰	ایتالیا
۸۷۰۰	اسپانیا
۴۹۰۰	ترکیه
۳۳۰۰	یونان
۲۹۰۰	ایسلند
۲۲۰۰	هلند
۲۰۰۰	بلژیک
۱۴۰۰	پرتغال
۲۵۰۰۰	ناوگان ششم (مدیترانه)
۴۶۲۰۰	ایقائوس آرام و خاور دور
۳۹۰۰۰	ژاپن
۱۴۱۰۰	کره جنوبی
۸۸۰۰	فیلیپین
۷۰۰	گوام
۵۰۰	استرالیا
۲۲۰۰۰	میدوی
۹۵۰۰	ناوگان هفتم
۳۵۰۰	دیگر مناطق
۲۱۰۰	منطقه کانال پاناما
۱۳۰۰	پورتوریکو
۱۱۰۰	گوآتاماگو
۷۰۰	بربودا
۴۰۰	دیگو گارسیا
۱۴۰۰	کانارا
۴۰۰	عربستان
۱۴۰۰	دیگر کشورها

آتلانتیک؛ ناوگانهای سوم و هفتم، مرکب از شش هواپیما در اقیانوس اطلس خاوری و باختری و ناوگان ششم، مرکب از دو هواپیما در مدیترانه، «پنتاگون» اینک استقرار ناوگان دائمی دیگری را در اقیانوس هند تدارک می بیند. همه این ناوگانها و ناوگردها در واقع پایگاههای شناور آمریکا هستند.

در تابستان سال ۱۳۲۴، پس از جنگ دوم جهانی، ژنرال آرتولد، فرمانده نیروی هوایی آمریکا، گفت:

«حریف بعدی ما روسیه است. برای آنکه بتوانیم نیروی هوایی استراتژیک خود را موقفانه بکار بندیم، در سراسر جهان به پایگاه نیازمندیم».

اکنون ۳۵ سال از این گفته میگذرد. در این مدت، نه تنها از تالش امپریالیسم آمریکا برای حضور نظامی در مناطق دور دست جهان، برای محاصره نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای

همزمان لشکر بیاندازند. بمب افکن های استراتژیک «پنتاگون» قادرند که از دیگو گارسیا خود را در اسرع وقت به هر یک از کشورهای ساحلی اقیانوس هند برسانند. در منطقه اقیانوس آرام و خاور دور، ۱۳۰ هزار سرباز و افسر آمریکایی در کشتی های ناوگان هفتم و پایگاههای دیگر، از جمله در ژاپن، کره جنوبی و فیلیپین به خدمت گمارده شده اند. یکی از مجهزترین مراکز موشکی ایالات متحده در آتل گواچالین (جزایر مارشال) واقع است.

مد و پنجاه هزار سرباز آمریکایی در منطقه گارالیب، بویژه در پایگاههای پورتو ریکو، منطقه کانال پاناما و «گوآتاماگو» تمرکز یافته اند.

فزون بر این، واحدهای نیروی درباری آمریکا پیوسته در اقیانوسها و دریاهای گوناگون دکشت میزنند. از جمله: ناوگان دوم، مرکب از پنج هواپیما و تعداد کثیری رزمناو در

پنتاگون اکنون به ساختن در پایگاه نظامی در صحرائی نیسو پرداخته است، که قرار است در اختیار «نیروی واکنش سریع» قرار گیرد. بنوشته «نیویورک تایمز» این نیروی ۱۱۰ هزار نفری وظیفه «پاسداری از منافع حیاتی» آمریکا را در «مناطق حساس جهان» به عهده خواهد داشت.

آمریکا در عمان در جزیره: مصیره پایگاه دارد. ستاد کل نیروهای آمریکا در خاورمیانه و چندایستگاه مراقبت نظامی «پنتاگون» در بحرین در جفیر و منامه مستقر است.

در عربستان سعودی، ایالات متحده از پایگاههای هوایی و دریایی ظهران، جیبیل، جده، تبوک و ریاض استفاده می جوید.

در اقیانوس هند، آمریکا در جزایر سیشل، الدابره، نسروج و فرقیار پایگاه دارد. اما مهم ترین پایگاههای دریایی و هوایی آنها در دیگو گارسیا است، که ده کشتی جنگی میتوانند در آنجا

است. ناوگان ششم ایالات متحده در دریای مدیترانه، از جمله، از پایگاههای نابل، گتا و سینیولا (سیسیل) استفاده میکند. زیر-دریایی های اتمی آمریکادر دریای مدیترانه در جزایر لامادانا و سانتا استفانو سوخت و آذوقه می گیرند. ایالات متحده همچنین در جزایر کرت و آکروتیری پایگاه دارند. هواپیماهای آمریکایی از پایگاهها بریتانیا در قبرس برای ماموریت های جاسوسی علیه کشورهای سوسیالیستی و خاورمیانه و نزدیک استفاده می جویند. پس از انقلاب ایران، آمریکایی ها برخی از تجهیزات جاسوسی خود را از ایران به پایگاههای بریتانیا در قبرس و منطقه شمالی این جزیره، که اینک در اشغال نیروهای ترکیه است، انتقال دادند. در اسرائیل، آمریکایی ها از فرودگاه آسیموم برای پروازهای جاسوسی و از بندر حیفا بعنوان پایگاه دریایی استفاده میکنند.

بقیه از صفحه ۹

پنتاگون سالهاست که شبکه ای گسترده از پایگاه های نظامی در سراسر جهان پدید آورده و بویژه در دوران اخیر به گسترش یسابقه آن دست زده است. چنانچه تنها پایگاههای آمریکایی دورادور اتحاد شوروی را در نظر بگیریم، شماره آنها حداقل ۲۸۶ است.

ایالات متحده آمریکا در ۱۱۴ کشور جهان بیش از ۲۵۰۰ واحد تجهیزات نظامی دارد. در حدود نیم میلیون سرباز آمریکایی، یعنی یک چهارم نیروهای مسلح آن کشور، در خارج از مرزهای آمریکا مستقرند.

تنها در کشورهای اروپایی باختری و کانادا، نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا ۷۴ پایگاه هوایی دارد.

در ترکیه، ۲۶ پایگاه هوایی و دریایی و ایستگاه رادار مستقر

## آقای غرضی استاندار خوزستان در مصاحبه با رادیو اهواز: برای مقابله با آمریکا: هر چه توده های تر کردن انقلاب و پیشبرد برنامه های انقلابی»

قدرت چه می گوید؟

«در بعضی جاها از کمیته ها و سپاه پاسداران به عنوان مراکز قدرت اسم برده میشود. اما ما باید بدانیم که قانونمدنهای انقلاب ایجاد میکرد که در مقابل انقلاب مراکز موضعی وجود آید. اگر ما این مراکز را نداشته باشیم، چگونه می توانستیم پیروز شویم و از حرکت ضد انقلاب جلوگیری کنیم؟ اینها عناصری هستند که در جهت انقلاب سازمان یافته اند».

استاندار خوزستان در ادامه سخنان خود درباره سپاه پاسداران و لزوم تقویت آنها گفت:

«در گفتگویی که کاسترو، رهبر کوبا، با میدوی کمی، داشتند، گفته است که ما تا ۱۶ سال بعد از انقلاب ارگانهای نظامی انقلابی خود را حفظ کردیم، چون هر آن امکان داشت که آمریکا دوباره به ما حمله کند. می بینیم که نقش سپاه بسیار حساس است. ما که هنوز هیچ ارگان اداری - نظامی و اقتصادی نداریم که بتوانیم کاملاً به آنها اعتماد کنیم، چطور از سپاه استفاده کنیم؟ مگر اینکه بخوایم طبق همان قوانینی که در زمان طاغوت حاکم بوده است، عمل کنیم. بنابراین، اینها مراکز قدرت نیستند. اینها مراکز

آقای غرضی، استاندار خوزستان، در مصاحبه ای با رادیو اهواز، که روز جمعه ۲۴ مرداد ماه از این رادیو پخش شد، ابتدا به نقش تجاوزکارانه آمریکا در ایران اشاره کرد و گفت که، آمریکا حاضر نیست از منابع انرژی ما دست بردارد، به همین خاطر او سعی می کند در جاهای مختلف ایران دست به توطئه بزند، از جمله در استان خوزستان، که دارای منابع حیاتی برای آمریکاست. و چون اینجا انقلاب پرندگان زیدی دارد، در اینجاها بیشتر فعالیت می کند. ضد انقلاب اینجا فعال است.

استاندار خوزستان در پاسخ به این سؤال که: چه راهی برای مقابله با آمریکا در نظر دارید، گفت: «هر چه توده ای تر کردن انقلاب و پیشبرد برنامه های انقلابی».

ما دیدیم که هر وقت هر برنامه انقلابی می خواهد به پیش رود و به اجراء در آید، ضد انقلاب دست به تحریکات و اعمالی می زند».

آقای غرضی در پاسخ به این سؤال که: بجز شما وظیفه و رسالت سپاه پاسداران چیست؟ گفت:

«سپاه اگر نبود کشور نبود، یعنی همان چیزی که امام گفته اند. من عقیده دارم که تنها بازوی عقیدتی - نظامی این انقلاب، سپاه است، که از توده مردم برخاسته و همانطور که امام گفته اند، سپاه یکدفعه در تمام کشور از میان توده مردم بوجود آمد.

این برادران سپاه هستند که بدون توجه به تمام مصائبی که به وسیله ضد انقلاب بوجود آمده - یعنی از بعد از ۲۳ بهمن تاکنون - هنوز پارچا هستند. نه ترور شدند و نه ضد انقلاب توانست آنها را از بین ببرد. یکی از هدف های سپاه این است که خواسته های انقلاب را جامه عمل بپوشاند و اگر این سپاه همین طور به پیش رود، به مرکز مهمی تبدیل خواهد شد».

- درباره سپاه پاسداران به عنوان یک مرکز

«انقلاب وقتی می خواهد وارد سازماندهی ضد انقلاب بشود، دچار اصطکاک میشود. همانطور که وقتی نظام اداری یا آموزشی می خواهد تغییر کند، ایجاد برخورد و مسائلی می شود. در ارتش هم به همین صورت است و من فکر نمی کنم کسانی که مسئله برایشان روشن است، دچار ابهام شوند».

من وظیفه داشتم که از جریانات داخل پادگانها مطلع شوم و مسائلی را که در آنجا هست، بینم، همانطور که در سایر جاها و ادارات مسائلی هست و ضد انقلاب سعی میکند به آنها تکیه کند، آنها می خواستند یک جمعیت زیادی را، یا همان فرماندهی که با سیستم طاغوت تربیت شده اند، اداره کنند. آنها حاضری نبودند مسائل و اتفاقات داخل پادگانها را به ما اطلاع دهند».

وقتی از آنها گزارش می خواستیم، می گفتند ما گزارشات را به ستاد کل ارتش می فرستیم و طبیعتاً آنها گزارشات واقعی را نمی فرستادند و راحت می توانستند توطئه کنند. بنابراین وقتی این جریانات می خواست شکل بگیرد، برادران سپاه پاسداران و سایر برادران داخل پادگان شروع به کار کردند و ما توانستیم این توطئه را کشف کنیم. بنا بر این شما چطور می توانید افرادی از این قماش را به فرماندهی انتخاب کنید؟ بنابراین من سعی کردم افسردادی از ارگان های انقلابی و توده ای را انتخاب کنم، چون ما می خواستیم از اتفاقات درون پادگانها مطلع شویم. به همین دلیل برادران سپاه پاسداران را به درون پادگانها فرستادیم، تا از نزدیک با برادر ارتشی برخورد و تماس داشته باشند. ما سعی کردیم که فلسفه شهادت را که برادران سپاه به آن معتقد هستند، به شکل کلی در بین همه رایج و تقویت کنیم. ما سعی کردیم مانع شویم که چهار پنج تا خان بتواند یکدفعه انقلاب را شکست دهد».

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

جلسه علنی دیروز مجلس در ساعت ۹ صبح دیروز ریاست حجت الاسلام رفسنجانی تشکیل شد. اولین نطق قبل از دستور دیروز مجلس، خاجاطوریان، نماینده ارومیه اصفهان بود. وی در سخنان خود از جمله گفت:

«پیروزی انقلاب ایران، که با سرنگونی یکی از ظالمانه ترین رژیمهای قرن اخیر همراه بود، از یکسو بهارت دهنده آینده ای تابناک برای مردم ایران و از سوی دیگر ضربه ای شکننده بر پیکر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در داخل است. پیوندهای است که دشمنان انقلاب ایران از فردای پیروزی انقلاب با توسل به انواع دسائس و توطئه ها کوشیدند و می کوشند به انقلاب مردم ایران ضربه زند و آنرا با شکست مواجه سازند. امپریالیسم و نوکران حلقه بگوش آنان در منطقه از طریق تبلیغات توسط رادیوها و سایر رسانه های گروهی وابسته بخود، یشرمانه ترین دروغها و تهمت ها را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پخش می کنند و همچنین از طریق کمک مستقیم به عمال خویش در داخل ایران و سازماندهی آنان با اعمال تروریستی، بمب گذاری و ایجاد هرج و مرج سعی می کنند مانع از تثبیت نظام جدید شود. مداخلات آشکار نظامی در ایران، نقشه های مختلف کودتا و تجاوز نظامی به ایران حاکی از آنست که دژ ارتجاع یعنی امپریالیسم آمریکا همواره در فکر نابود کردن جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. هشیاری مداوم نسبت به دسائس این قدرت شیطانی، وظیفه همه مسئولین امور، کلیه نیروها و گروه های سیاسی و اجتماعی هوادار انقلاب و همچنین وظیفه فرد فرد مردم ایران است.»

وی آنگاه به تبلیغات ضدانقلاب درباره اقلیت های ملی و مذهبی در ایران اشاره کرد و از جمله پسر شایعه سازیها و دروغ پراکنی های دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم در این زمینه تاکید کرد. نماینده ارومیه جنوب در قسمت دیگر سخنان خود به نقش جایگزین آمریکا در ویتنام، شیلی، فلسطین و ایران اشاره کرد و از جنایتها و غارتگریهای رژیم شاه سابق در دوره حکومتش پر مردم ایران یاد کرد. خاجاطوریان همچنین درباره نقش دولت دست نشانده ترکیه در تبدیل آن کشور به پایگاه امپریالیسم آمریکا و نیز غصب سرزمینهای ارومیه سخن گفت. وی در پایان سخنان خود درباره دولت جدید و نقشی که می تواند در تثبیت و گسترش دساتوردهی انقلاب ایفا کند، سخن گفت و افزود:

در جلسه علنی دیروز مجلس

حجت الاسلام محمد منتظری:

باید با جنبش فلسطین هماهنگی نظامی، مالی و تسلیحاتی پیدا کنیم

حجت الاسلام منتظری: سیاست «نه شرقی، نه غربی» در نزد بعضی ها طوری شده که در عمل شوروی بیشتر کوبیده می شود تا آمریکا. نماینده ارومیه جنوب: دژ ارتجاع، یعنی امپریالیسم آمریکا، همواره در نگر نابود کردن جمهوری اسلامی ایران بوده و هست

معمولا می خواهیم آنها ما را حمایت کنند و ما از آنها حمایت نکریم. (مثل الجزایر و لیبی و سوریه). ما اگر بخوایم در سیاست خارجی و نسبت به دشمنان نقش تعیین کننده داشته باشیم، باید با آنها هماهنگ شویم. اگر ما با کشورهای مترقی نفتخیز هماهنگ می شدیم، می توانستیم نقش فعال و تعیین کننده داشته باشیم. هی فلسطین، فلسطین کردن هم فایده ای ندارد و ما هنوز کاری صورت ندادیم».

حجت الاسلام منتظری سپس ضمن تحلیل وضع منطقه و فعالیت های کشورهای مرتجع نظیر عراق برای انزوای ایران در میان کشورهای عربی و اشاره به مفتی های مزدور کشورهای عربستان، تونس و مراکش و غیره و توطئه های آنان گفت:

«یکسان دیگر که بگذرد، کوششهای امپریالیسم نه برابر خواهد شد. برای دفع این توطئه ها باید فعالانه در منطقه خاورمیانه و نسبت به سرنواخت مسلمانان شرکت کنیم. اگر فعالانه شرکت نکنیم، این توطئه ها را می بینند و ما را محاصره می کنند و در جنگ سرد تبلیغاتی ما را شکست می دهند. اگر ما جدا بخوایم عمل کنیم، باید جنبشهای رهایی بخش و کشورهای را که به ما نزدیکترند، در نظر بگیریم و مسائل اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی خودمان را با آنها هماهنگ کنیم تا بتوانیم متحدان در مقابل توطئه های دشمن بایستیم. متأسفانه در ایران سیاستهایی اعمال می شده که ما را از کشورهای عربی مترقی دور کند و این سیاست باعث تضعیف شدن ما گشته است. اگر ما بخوایم بطور جدی با آمریکا مخالفت کنیم باید با آنها هماهنگ شویم و گرته عملا در دامن آمریکا می افتیم. سیاست نه شرقی نه غربی هم طوری شده که بیشتر سوری را می گویند، یعنی در عمل آمریکا کمتر کوبیده می شود. (البته در مورد بعضیها) بنابراین اگر بخوایم از این وضع خارج شویم باید فوراً تصمیم بگیریم که با کشورهای «جهان سوم» و مترقی عربی همبسته شویم. جنبشهای آزادی بخش را بطور جدی حمایت کنیم. با جنبش فلسطین هماهنگی نظامی و مالی و تسلیحاتی پیدا کنیم و کمک کنیم و این باعث حل مشکلات خود ما نیز خواهد بود. اگر ما سیاست خارجی واضح و روشنی داشته باشیم، از این جنگهای لفظی هم نجات پیدا می کنیم».

حجت الاسلام منتظری: سیاست «نه شرقی، نه غربی» در نزد بعضی ها طوری شده که در عمل شوروی بیشتر کوبیده می شود تا آمریکا. نماینده ارومیه جنوب: دژ ارتجاع، یعنی امپریالیسم آمریکا، همواره در نگر نابود کردن جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. هشیاری مداوم نسبت به دسائس این قدرت شیطانی، وظیفه همه مسئولین امور، کلیه نیروها و گروه های سیاسی و اجتماعی هوادار انقلاب و همچنین وظیفه فرد فرد مردم ایران است. وی آنگاه به تبلیغات ضدانقلاب درباره اقلیت های ملی و مذهبی در ایران اشاره کرد و از جمله پسر شایعه سازیها و دروغ پراکنی های دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم در این زمینه تاکید کرد. نماینده ارومیه جنوب در قسمت دیگر سخنان خود به نقش جایگزین آمریکا در ویتنام، شیلی، فلسطین و ایران اشاره کرد و از جنایتها و غارتگریهای رژیم شاه سابق در دوره حکومتش پر مردم ایران یاد کرد. خاجاطوریان همچنین درباره نقش دولت دست نشانده ترکیه در تبدیل آن کشور به پایگاه امپریالیسم آمریکا و نیز غصب سرزمینهای ارومیه سخن گفت. وی در پایان سخنان خود درباره دولت جدید و نقشی که می تواند در تثبیت و گسترش دساتوردهی انقلاب ایفا کند، سخن گفت و افزود:

شوخی نیست...!

هم صدایی! قلبزاده: «دسائس ستون پنجم خود را، که حزب شناخته شده ایست، در ایران سازماندهی کردید...» (از «نامه شدیدالین...») تفسیر رادیو کلن (آلمان غربی)، پس از پخش قسمتهای از این نامه: «شوروی درحالی که چه خود و چه ستون پنجم آن، یعنی حزب کمونیست توده، از رژیم حینتی جانبداری میکند...» شاه سابق: «روسها میخواستند آذربایجان عزیز را از ما میین جدا کنند...» سداى جمهوری اسلامی ایران: «یکی از جنایات روسیه بعد از شهریور ۱۳۲۰ این بود که میخواست آذربایجان را از ایران جدا کند...» (از تفسیر سیاسی، ۵۹هـ، ۳۰)

برای اطلاع علاقمندان به نشریات حزب توده ایران

انتشارات حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که فقط مسئولیت انتشار کتابهای را به عهده دارد که با آرم مخصوص انتشارات حزب توده ایران، به چاپ می رسد. گاه مشاهده می شود که برخی از دکها و کتابفروشیها در کنار نشریات حزب ما، جزوه ها و کتابهایی را که محتوای آنها مورد تایید حزب توده ایران نیست، برای فروش عرضه می دارند.

طبیعی است که وجود چنین نشریاتی در کنار کتابهای دارای آرم انتشاراتی حزب توده ایران بهرچوچه نباید برای خریداران چنین تصویری را پدید آورد که گویا این نشریات با تایید حزب توده ایران، به چاپ رسیده است. از جمله نشریاتی که فروش آنها در برخی از دکها و کتابفروشیها با عرضه نشریات حزب توده ایران همراه بوده، جزوه ایست به نام «شاخ آفریقا» که محتوای آن به حق مورد اعتراض بسیاری از علاقمندان به نشریات حزب ما است و آنها را به نوشتن نامه های اعتراض آمیز علیه این نشریه وامی دارد. بدین وسیله به اطلاع همه علاقمندان به نشریات حزب توده ایران می رسانیم که این نشریه هیچگونه ارتباطی با انتشارات حزب توده ایران ندارد. ما از مسئولان دکها و کتاب فروشیهای علاقمند به نشریات حزب توده ایران انتظار داریم، که برای جلوگیری از این نوع سوء تفاهات زبان بپوشی، از فروش نشریات دارای محتوای مخدوش و مشکوک در کنار نشریات حزب ما، خودداری کنند.

داخلی کشور، گفت:

«متأسفانه همیشه این مسائل جدا از هم بررسی می شود در صورتیکه مسائل داخلی و خارجی بهم پیوسته است. ما نمی توانیم در چهارچوب مسائل داخلی غور و ور شویم و فقط مسئله ایران برای ما مطرح باشد...» بحث اینروزها این شده که دعوا بکنیم سر لفظ. یکی می گوید کابینه مکتبی است و دیگری می گوید مکتبی نیست! فقط نزاع سر لفظ مکتب است. فلسطینیها مکتبی نیستند، فلان مکتبی نیست، فلان شخص مکتبی است. مسئله لفظ نیست. مسئله واقعیت خارجی است. و ما مشکلات داخلی مان را با مشکلات جهان مستضعفین و جهان اسلامی با هم بررسی کنیم و جدی عمل کنیم. ما الان بعزت اینکه در سیاست خارجی خودمان خیلی درجا زدیم، متأسفانه از کشورهای اطراف داریم ضربه می خوریم و جنبه دفاعی بخود گرفته ایم و حتی عراق و امارات متحده عربی می خواهند بر علیه ما شکایت بکنند و ما را اشغالگر سه جزیره وانمود کنند.» وی افزود: «... ما دوستان خارجی مان را بررسی نکرده ایم. دشمنان خارجی مان را بررسی نکرده ایم. تعاون و همبستگی و پیوستگی با دوستان خارجی پیدا نکرده ایم. البته ما دوستان درجه ۱، درجه ۲، درجه ۳ داریم، امور نسبی اند - کشورهاییکه در جهان عرب با ما بیشتر هماهنگی دارند، با آنها هماهنگ نشده ایم. با کشورهای فتنی عرب که نسبتاً موضع خوبی دارند،

بایستی با برنامه ریزی دقیق و با کمک کلیه نیروهای مومن به انقلاب اسلامی مشکلات کلی مستضعفین از قبیل بیکاری، تورم و مسائل مسکن و بهداشت و غیره را رفع نموده دستاوردهای انقلاب را تحکیم بخشیده و در جهت افزایش این دستاوردها که ضامن وحدت مومنان به انقلاب می باشد، بکوشیم و ما امیدواریم که دولت آینده کلید رسیدن به این خواستها باشد.» سخنران بعدی قبل از دستور، مهندس طاهری نماینده گزرون بود. پس از سخنان وی مجلس وارد دستور کار خود شد و محمدعلی رجائی نخست وزیر برای ادای توضیحاتی پیرامون چگونگی تشکیل کابینه خود پشت تریبون قرار گرفت. وی از نمایندگان خواست که بعزت دیداری که قرار بود ساعت ۱۱ بین وی و آقای رئیس جمهور انجام گیرد، گزارشی کار وی به جلسه بعدی موکول شود. درخواست نخست وزیر پس از رای گیری از نمایندگان به تصویب مجلس رسید. آنگاه اعتبارنامه آقای تاقاری، نماینده زاهدان، مطرح شد، که بعزت استرداد مخالفت تنها مخالفین اعتبارنامه، پس از رای گیری به تصویب نمایندگان رسید. سپس اعتبارنامه بهروزیه، نماینده کلبر، بعزت مخالفت یکی از نمایندگان پس از طرح در مجلس، برای تحقیقات بیشتر به کمیسیون تحقیق مجلس ارجاع شد. در پایان جلسه دیروز، حجت الاسلام محمد منتظری، نماینده مردم نجف آباد اصفهان، سخن گفت. وی ضمن تاکید بر اهمیت سیاست خارجی و نقش آن در سیاست

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هم از شهر کرد ۲۰۰۰ ریال از قلک ص - ف از شهر کرد ۶۸۹۰ ریال دانشجویان شهر کرد در فرانسه ۳۰۰۰ ریال ج - مشرف از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال جهان از شهر کرد ۴۵۰۰ ریال ص - خ از شهر کرد ۶۵۰ ریال بابلک از شهر کرد ۵۰۰ ریال علاقمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قی کی منشرو به شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترک انست

دخلی ما پیوند مستقیم ندارد. برخی زیاده رویا در وزارت آموزش و پرورش، بویژه در زمینه پاکسازی، چنان محیط عدم رضایتی را موجب شده، که پیرامون راکتشن ناشی از آن سخن بسیار است، و این بسود انقلاب ما نیست. بویژه باید توجه داشت که سال تحصیلی در شرایطی آغاز میشود که ما بطور جدی با خطر توطئه های امپریالیستی روبرو هستیم. محافل توطئه گر امپریالیسم آمریکا مایلند قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بمنظور آنکه شانس ریاست جمهوری کارتر را افزایش دهند، توطئه ای را بنام نجات «گروگانها» در واقع برای سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی ایران در ایران باجرا در آورند. وجود تشنج در مدارس و دانشگاهها میتواند مورد سوء استفاده امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برای انحراف اذهان و وارد کردن ضربه به انقلاب، قرار گیرد. ما به مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی هشدار می دهیم که مراقب اوضاع باشند، اگر لازم است، برخی تصمیمات غیر ضروری را به اجرا گذارند و در مورد تصمیمات ضروری و منطقی، نیز از توضیحات اقماتی و نظرخواهی ازدانش آموزان و دانشجویان و خانواده های آنان و معلمان دریغ نورزند، وضع دانشگاهها را بصراحت روشن کنند و با توجه به شرایط سیاسی روز تصمیمی اتخاذ کنند که بسود انقلاب باشد نه آنکه مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد. تعطیل طولانی دانشگاهها نه بسود انقلاب است و نه ضرورت انقلاب فرهنگی. ما به دانش آموزان، دانشجویان، آموزگاران، دبیران و استادان نیز هشدار میدهم که با درک مسئولیت خود و اهمیت لحظه حساس کنونی، از ایجاد هرگونه تشنج جلوگیری کنند، مشکلات واقعی و خواستهای منطقی خود را از راه تماس با مقامات مسئول مطرح سازند و بر اساس تفاهم متقابل در حل آنها بکوشند. همه فرهنگیان و همه نیروهای انقلابی متحداً باید توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آنرا در عرصه آموزش و پرورش عقیم گذارند.

به مسئولان وزارت بقیه از صفحه ۱

همبحد کافی تعمق کنند و هم از توسل به اقدامی که بدون دلیل موجب نارضایتی قشری از مردم شود، جدا اجتناب ورزند. گفتیم بدون دلیل، و بر آن تاکید می کنیم، زیرا بهرچوچه منظور اقدامات انقلابی بسود توده های مستضعف نیست، که از ضروریات انقلاب ماست و خواه ناخواه قشری از مستکبرین را نارضی خواهد ساخت، بلکه منظور آنکه اقداماتی است که فراهم برای انجام آن دیر نیست و با حصول انقلاب ضد امپریالیستی

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارندگان امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیا بان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دکتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست) NAMEH MARDOM No. 324 3 September 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مهم انقلابی است.